

داشت.

بعدا در فعل علوم شدکهنهای استقلال سندیکاها و سایر تذکلهای توده‌ای تا "هیچ جا" ممکن نیست. بولتین مورد اشاره هیچکا منتصر نشد، دمکراسی درون حزبی و برولتری هرچه بیشتر بزرگ‌تر انداخته شد. "اپوزیسیون کارگری" حتی به کمینترن شکایت کرد و نهادهای به اعماق ۲۶ تن از اعماق سابق "اپوزیسیون کارگری" در اوائل سال ۱۹۲۲ برای هیأت اجرائی انتخاب سیونال کمونیست فرستاده شد.

کمینترن کمیسیونی را مأمور رسیدگی کرد و کمیسیون پس از بررسی شکایت اپوزیسیون را ناوارد شناخت. اخراج اعماق اپوزیسیون و حتی بازداشت رهبران و فعالین آن از سال ۱۹۲۳ آغاز گردید و بدین ترتیب بر جناح برولتری و چپ حزب بلشویک فربد تعبیری کننده‌ای وارد آمد.

در سال ۱۹۲۴، میاسینکوف کارگر قدیمی که از سال ۱۹۰۶ عضو حزب بود و "گروه کارگری" را رهبری میکرد؛ با اتفاق، بر مجموعات کنکره، دهم بدلیل فعالیت فراکسیونی از حزب اخراج گردید. متعاقباً در ۱۹۲۴ میاسینکوف توسط گ. ب. شو (پلیس مخفی سیاسی) بدلیل رهبری اعتمادهای اعماق کارگری دستگیر شد و همزمان عددی زیادی از اعماق "گروه کارگری" اخراج و بازداشت شدند. گوزنستف از رهبران دیگرانین گروه نیز بازداشت شد و همزمان با اوجگیری پک رشته اعتمادهای اعماق کارگری در مناطق صنعتی روسیه عددی دیگری از اعماق گروه "حقیقت کارگری" اخراج و دستگیر شدند. بدین ترتیب منزوی کردن، اخراج، محدودیت‌های مختلف و توصل به روش‌های بوروزواشی در مبارزه علمیه مخالفین و در این دوره علیه "اپوزیسیون کارگری" و جناح چپ حزب، پشتواه رسمی پیدا کرده و ابعاد داعم فرازبانده‌ای بخود میگیرد.

در این دوره با اتخاذ سیاست جدید اقتصادی (NEP) جامعه شوروی وارد یکی از فازهای تعبیری کننده در را بطبقاً وضعیت سیاسی و سرنوشت آنی خود میگردد. بطبقی این سیاست جدید برای مقابله با مشکلات فرازبانده اقتصادی و سیاسی که حکومت شوراها با آن دست به گیریان بود، در زمینه‌های مختلف امکانات و امتبازاتی به عنای اسر بوروزوازی و خردمه بوروزوازی داده میشود و بنابراین استنباط لذین، بعنوان کسی که هنوز کلام آخوند را بطبقاً تعبیری خط مشی و سیاستهای حزب از جانب او زده میشود، حکومت شوراها یک عقب‌نشینی آنکه نه و حساب شده را برای کسب قوای نازه و نیز تعکیم موقعیت و اوضاع خودشروع میکند. در بدوا مرهد فاولیه، این سیاست از جمله حفظ پشتیبانی توده‌های وسیع دهقانان فقیر و متوسط از حاکمیت شوراها و نیز استفاده از امکانات، ابتكارات و تخصصهای عناصر غیرپرولتر در شرایطی است که حکومت شوراها مجبور به دادن استیازاتی به اینان در تلاش برای جلب همکاری آنها میباشد.

مستقل از عواقب آنی و استنباط آنی که جریان غالب و راست حزب کمونیست شوروی علیرغم ارزیابی و استنباط‌های لذین از NEP، از این سیاست جدید بددست داد، که خود موضوع بحث تعبیری کننده، دیگری در را بطبقاً چگونگی غلبه، بوروزوازی بر حزب

کمونیست و حکومت شوراها در روپرتو بازسازی سرمایه‌داری خربه خوردۀ روسیه تحت عنوان ساختمان سوسیالیسم در شوروی است، نتیجه «بلاؤ اسٹد» سیاست جدید اقتصادی، تضییف هرچه بیشتر "اپوزیسیون کارگری" و مبنای عمل قرار گرفتن سیاستهای عملی در همه زمینه‌ها بود که هرچه بیشتر منطبق بر نظرات و خواستهای بخوارین - تروتسکی و جنساچ راست‌حزب کمونیست شوروی بود.

متعاقد کنگره دهم همچنین دبیرخانه‌حزب دوباره سازماندهی شده و تحت تسلط و رهبری کامل عناصر بوروکراطیک و استبدادیانیان، که متلاعقاً باشد آوردن مقام دبیرکلی حزب قدرت بیشتری را در دست خود متمرکز کرده بود، قرار گیرد.

تسلط استالین و جناح راست بر دستگاه اداری و تشکیلاتی حزب این جناح را قادر می‌کند که حتی در موادی که تحت فشار انتورپته سیاسی و نفوذ معنوی لینین از موافع خود عقب نشسته وحداً قل در حرف موافع امولی را می‌پذیرفتند، در عمل با توصل به ابهارهای تشکیلاتی اراده و خواست خود را به پیش ببرند.

تا این زمان جناح چپ بدلیل اشتباها و نقاوش سیاسی، فقدان وحدت سیاسی و تشکیلاتی و فقدان طرح و برنامه و انتشار نیوسیاسی اقتصادی و اجتماعی و محدود ماندن به انتقادات موضعی و پراکنده‌از سیاستها و پراطیک غالب، هرچه بیشتر پراکنده، تضییف و منزوی شده بود.

از دسامبر سال ۱۹۲۲ آغاز نین متعاقب زخمی شدن و شروع بهماری اش، دچار محدودیت‌ها و کناره‌گیری از کارها می‌شود و نقش اولد رهبری سیاسی کاهش می‌یابد، این جریان راست هرچه بیشتر به تقویت موقعیت خود پرداخته و به پیشبرد پراطیک موردنظر خود می‌پردازد.

در مواد متعددی لینین در مقابل تصمیمات سیاسی و تشکیلاتی متخذه از جانب کمیته مرکزی و دفترسیاسی که عملان تحت انتورپته جناح راست قرار گرفته است، من استند و حتی یکبار در مواد جهه‌با تصمیمات استالین و کمیته مرکزی حزب کمونیست در رابطه با طرحی که معملاً استقلال سایر جمهوری‌های شوروی را از میان برده و آنها را در جمهوری شورائی روسیه ادغام و حل می‌کند، در پی داداشی به دفترسیاسی حزب کمونیست چندین مینویسد:

" پادداشت به دفترسیاسی درباره مبارزه‌ها شوونیسم ملت غالب من علیه شوونیسم ملت غالب اعلام جنگ تاریک می‌کنم. من آن [ناسیونال شوونیسم ملت غالب] را با تمام دندانهای سالم خواهم درید بمجرد آنکه از شرایین متشدان خراب لعنی [ام] خلام شوم.

[مطلب] با پدر این امریکای فشرده‌گه کمیته، اجرائی مرکزی اتحاد [جما هیرشوروی] می‌باید بنوبت توسط یک روس، اوکراشینی، گرجی، وغیره، رسایست شود، [مطلب] ارادتمند لینین، تاریخ نگارش: ۶ اکتبر ۱۹۲۲" (مجموعه آثار لینین، انگلیسی، جلد ۳۳، ص ۳۷۲، کروشده‌ها از من است)

های انتظار که میدانیم لذتی در این زمان چنان سختی بینا روپرتوی است که خدش
قدرت نگارش و تکلم را هم کم کما زدت میدهد و متاً سعادت‌هیچکا «بعد از شر آن دندان
خواب لعنتی رهایی نیافت، تا جنگی را که چنین فاعلانه علام میدارد به پیش ببرد.
در غیاب حضور سیاست‌لذت، اتحادی معروف به اتحاد سه‌گانه (اتحاد ممثلت ۲۰۱۴) مرکب از استالیین، زینوویف و کامنوف شکل میگیرد که علاوه بری حزب را بdest دارد.
در این اتحاد استالیین با تسلط اش بر ارگانهای تشکیلاتی (دیپرخانه، مرکزی و دفتر
تشکیلات حزب که علاوه بر دستگاه‌داری و تشکیلاتی حزب را تحت تسلط و نظرسازی
داشتند) درگناه زینوویف و کامنوف بمنابع شخصیت‌های از نظر تشوریک و سیاسی شا
حدودی صاحب اموریت و توانا، بمقابله با رقیب شاره، یک خود تروتسکی برمی‌خیزد.
جنگ داخلی بین این اتحاد سه‌گانه از یک طرف و تروتسکی و چربیانات مختلف ایوزبیون
از طرف دیگر در میگیرد. هدف این عمله منزوی کردن و منفرد کردن تروتسکی و تهاجمی
حذف او از رهبری حزب است.

لنهن که در نیمه دوم ۱۹۶۶ کمی بهبود پافته و دوباره زندگی ساسی حزب بساز
میگردد، در اتحاد سه گانه و مخصوصا در استالین ۱۷ را دات اساسی را مشاهده میکند و بطور
شخص به آنها می پیردازد.

در مسائل مربوط به قضیه، گرجستان و نیز در رابطه با مباحث مربوط به خروج کاربرد برنا مذکوری در امر افتعاد لشین یا به تروتیکی متول میشود و با من تاکید بر اهمیت ساله یا دآوری میکند که در این رابطه تا حدودی و به درجه‌ای به نظرات تروتیکی نزدیک است. تروتیکی در مقابل عملات جنایح متعدد سه گانه، بیشتر و پیشتر ناپیگیری از خودنشان میدهد و هرچه بیشتر میکوشندتا وفا داری خودبه مقررات تشکیلاتی و به مصوبات کنگره، دهم، سینی بر احتراز از هرگونه اقدام فرآکسپوی را، مراجعت کند، او حتی در موادی به طرح استفادات و شکایت‌هایی از کمیته مرکزی و دفترسیاسی می‌بردازد اما ترجیح می‌دهد که این کار را به تدبیری انجام دهد. داشتۀ المعاشر بیرونیکا اظهار نظر کرده است که تروتیکی امیدوار بود در مبارزه علیه زیست‌بوف، که اورا مهمترین رقیب خود در رهبری می‌داند، موفق به جلب همکاری استالین گردد، به همین علت درها سعی به فراخوان لشین برای هدایت مبارزه علیه گرایش راست در حزب تزلزل و تردید به سرج می‌دهد. اما ای. آج. کار، معتقد است که همان ناپیگیری همیشگی که در تروتیکی وجود داشت و پایه بندی بیش از حد از معاذین حقوقی و مقررات سازمانی دلیل تزلزل و تردید این دو تروتیکی را تشکیل می‌دهد.

در گنگره ۱۲، آوریل ۱۹۲۳، تروتکی با اینکه از جانب لئین ازا و خواسته شده بود نظرات وی را در مورد قضیه گرجستان و بر علیه استالین شایندگی کند (و برای این کار لئین سه بادداشت مربوط به مقاله ملی خود را برای او فرستاده بود) از اینکار سر باز زد و در گنگره بهمراه جمهوری نگفت و همراه باقی رهبران واژجمله استالین در مورد ضرورت وحدت صحبت کرد. از آوریل تا اکتبر نیز درجهت رفع اختلافات با اتحاد

سکانه کوشید و حتی سنا شد در دفتر تشکیلات (ارگ بورو) شرکت گند، اما بنا گاه در ۱۹۴۲ آگوست تروتسکی بهای نیمه "سندي خطاب به کمیته مرکزی حزب نوشت و طی آن با طرح ماله" غرورت تجدیدنظر در سیاست اقتصادی و وضع وخیم منعطف و همچنین در اعتراض به فشار دبیرخانه (که تحت کنترل استالین بود) خواهان یک رهبری جدید برای حزب شد. یک هفته پس از این بهای نیمه پلاتفرم معروف به "پلاتفرم ۴۶ نظر" خطاب به کمیته مرکزی حزب صادرشد. این پلاتفرم علیرغم اینکه بقول ای. آج. کار، چهار زن پلاتفرم و چهار زن محتوى انتقادات مشابهی با انتقادات و نوشته‌های تروتسکی در این دوره دارد و علیرغم اینکه اضافی آن متعلق به تها رسی رهبران و کا درهای جناح چپ حزب و نیز نزدیکترین منتعدهای سیاسی تروتسکی در دوره آنی و برخی از منتعدهای سیاسی گذشته او میباشد، اما طویل تروتسکی حاضرها اضافی آن نشده است، در صورتیکه برای احتی میتوانست در رهبری آن فرار گیرد.

ای. اج. کار. همچنین مبنویست که در مقطع تدوین و ارسال "پلاتفرم ۴۶ نفر" به کمیته مرکزی کارل رادک از رهبران حزب بلشویک که برای ما مورثتی حزبی عازم آلمان بود هم متن مشابهی به اعضا خود برای کمیته مرکزی میفرستد، این نام بعداً منتشر شده،

در دسامبر ۱۹۶۳، یعنی قریب دو ماه پس از انتشار "پلاتفرم ۴۶ نفر" جزوء مشهور تروتسکی "خط مشی جدید" انتشار میباشد که همان ایده های بیانیه اکتبر او و پلاتفرم ۴۶ نفر را دربار میگند. "خط مشی جدید" اسجام بیشتری به آبوروزیون چپ (که از طرف مرکزیت در این مقطع "آبوروزیون سکو" خوانده میشود) میبخشد. عماره "خط مشی جدید" به شناخته داشتی در مورد سیاست اقتصادی و همچنین دمکراتیزه کردن مناسبات درون حزبی سود و بازیابی این نتیجه گیری که رهبری سکانت میتواند اتخاذ ذکر شده چنین خط مشی ضروری ای باشد. با اینهمه نکته "جالب اینجاست که علیرغم اینها مسات جنای امثالین، تروتسکی در این جزوء به وجوده حق تشکیل فراکسیون را مطالبه نکرده است. و با مرکزیت در رعایت مصوبات کنگره ۱۵ راجم به معنویت فراکسیونیسم توافق داشت.

بیرونی احوالی او از خرداد ۱۹۴۳ انتلافی عملی از هاداران تروتسکی و بخش مهندس از
هریانات متعلق به جناح چپ حزب سلشیک شکل میگیرد که بعداً "ابوزیمین چپ" نامیده
میشود. این جریان رهبری اتحاد سه گانه، امتالین، زینوویف، کامنف را پشت مسورد
علق قرار میدهد خط مشی رهبری را در زمینه های مدیریت اقتصادی، وضعیت کارگران
صنعتی و شبهه" رهبری و مناسبات درون حزبی مورد استقاده قرار میدهد. جناح غالب
هم در مقابل به تحکیم موقعیت خود در رهبری و تصرکزا هر مهای تشکیلاتی در دست خود داشت
که بخند و بیرای در هم گویند شایسته، ابوزیمین تدارک می بیند.

مبارزه علیه ابوزیسون چپ و تروتسکی بعنایهٔ معروفترین و سرشناس‌ترین عنصر آن، که اجباراً و عملأ در مرکز آن قرار گرفته بود، ابعاد و سمعتی پیدا کرد. حتی عتراءات فرمایشی و قطعنا محدود رخواستهای میتینگ‌های متعددی که دست فراکسیون

اتحاد سه‌گانه در فراخواندن و برگزاری آن، بر احتی قابل مشاهده بود در سراسر شوروی گزارش می‌شد و حتی برخی از "تفاہات امدادی" اخراج تروتسکی از حزب "مدربراؤدا" چاپ شدند. گذشته، زندگی شخصی، "منشیسم"، "اخلاقیات"، "خودبستی و تکبر و همه" مفاسد "شیطانی" تروتسکی از آرشیوها به روزنامه‌ها کشانده شدند تا در خدمت انسزاوی او و طردش از رهبری بخدمت گرفته شوند.

در ژانویه ۱۹۲۶، "پوزیسیون چپ" و "تروتسکیسم" بعنوان یک گرایش فراکسیونیستی و انحراف خدما رکسیستی از جانب کنفرانس حزب محاکوم شدند.

مرگ لینین چند روز بعد از آین واقعه جو حظ وحدت را در حزب پنده داشت دا من زده و اوضاع را هرچه بیشتر بده مر را پوزیسیون خواسته کرد. نقش شاخص استالین در مراسم تدفین لینین بعثا به "عمل موقعیت و امتیازاتی" بود که استالین تا همان زمان برای تصرف قدرت در حزب بدست آورده بود.

در پنده استالین همچنان با متمرکزگردن این راهی تشکیلاتی حزب در دست خود و انتساب هوا داران خود به موقعیت‌ها و نفا مات کلیدی زمینه‌های تمرکز هرچه بیشتر قدرت در دست خود را تدارک میدید.

رهبری حزب با انتشار وصیت‌نامهٔ لینین مخالفت کرده و به اعمال تغییرات علیه ا پوزیسیون چپ شدت پیشتری بخشد.

در فاصلهٔ مرگ لینین تا برگزاری کنگره^{۱۱}، در ماهه ۱۹۲۶، حملهٔ "تروتسکیسم" از جانب جناح استالین گسترش یافت. مقالات متعددی دورا بخطه‌ها و دنیوایران گذشتند. تروتسکی در نشریات بجا پرسید و همزمان با آن موقعیت تروتسکی در گمیساریای جنگ تضمیف گردید (تروتسکی در ژانویه ۱۹۲۵ از سمت کمیسر جنگ کنار گذاشتند. خود او و نیز برای رفع شبدهٔ ایندیای نقش "منابهارت" از جانب وی مایل به استعفای از آین مقام بود). شرکت کنندگان در کنگره^{۱۲} از جانب دبیرخانه و دبیران که کنترل دشکملات حزب را در دست داشتند چنان دست چین شدند که هیچ فردی از اپوزیسیون در آن ماحصل رای نمود و تنها محدودی (از جمله خود تروتسکی و برادر او ایزیک) دارای رای مشورتی بودند. در کنگره هم‌ا ز ضرورت وحدت سخن گفتند و تروتسکی در نقطه مشهوری (که بعدها علیه وی به کار آمد) اعلام داشت که حزب همواره در راستای فرد حق دارد. و به این ترتیب موضع جناح غالب در مورد اپوزیسیون چپ مستحکم شد و اپوزیسیون ضعیف شد.

اما در این زمان بخاطر حزب داشتند، هرچه گستردگی تری میباشد و در زمینهٔ مسائل ملی و مسائل اقتصادی در مسائل حزب کمونیست شوروی و کمپین‌ترن فرار گرفته بودند. مسائل مربوط به سیاست اقتصادی در عرصهٔ صنعت و مسائل مربوط به دهستان و سیاست ارضی و ارزیها از (NEP) از مکطرف و مسائل مربوط به انقلاب جهانی، سیاست و تاکتیک در قبال جنبش روسیه اوج پرولتاری در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری و نیز در قبال جنبش دمکراتیک - انتقلابی و مباری ایستی در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم، اوضاع نوین و پیجده‌ای را در مقابل حزب کمونیست و دولت شوروی قرارداده بودند.

در همین زمان استالین نئوری "ساختگان سوسیالیسم در بکنور" خود و تعریف این بمنابه، مهندسین و اعلیٰ ترین هدف برولتا ریا چه در شوروی و چه در دنیا من دنیا، که هر سیاست و تاکتیکی با پایداری خدمت آن طرح و اتخاذ شود، را بینان کشید. در حالیکه جریانات مختلف اپوزیسیون و حتی بخشی از خود جریان غالب که زینوویف و کامنف در رأس آن بودند تفسیر دیگری از NEP، سیاستهای لینین و نیما نظرنا سیونا لیم برولتا ریائی داشتند.

حزب بانشویک به جای احیای سنت همینگی مبارزه، ایدئولوژیک عمومی و تلاش برای کشف راههای نوبن از طریق دامن زدن به ابتكارات و خلاقیت‌های توده‌های حزبی و کارگری چه برای غلب بر مشکلات قدیمی که دامنگیر حزب بودند و چه مسائل جدیدی که در مقابل آن فرا رگرفته بودند، استنباتات و مجموعات کنگره "دهم را بینها بست درجه" نتا بع مطربی که ممکن بود از آن گرفته شود مورد استفاده و مبنای عمل فرا و داد.

در طول سال ۱۹۲۵ بحران به رهبری اتحاد سیاست همراهیت کرد و زینوویف و کامنف که هم از قدرت گیری بیش از حد استالین نگران شده بودند و هم در زمینه‌های مختلف با او اختلاف نظرداشتند، برآن شدند که استالین و از مقام دبیرکلی در کنگره "آتی خلخ نمایند. استالین هم بنوبه خود فرمود را مناسب تشخیص داده و بین این مبارزه و اپوزیسیون جدید با ۲ مادگی کامل باش داد. ما جراحتان مله پس از زانوبه" ۱۹۲۵، بعنی وقتی تروتسکی برای بار دیگر قویاً در پلشوم کمیته مرکزی محکوم گشت آغاز شد. سنت زینوویف و کامنف بر سرمهاله "می‌باشد ارض و شیوه" برخورد به دهستان، از منظر رسمی که تا کنون همراه با استالین از آن جانبداری نمی‌کردند، بودند. زینوویف روابط خود را در "لنینیسم" را منتشر کرد و در مورد مسائل جاری پادا ورشکده بخلاف نظر استالین، لینین تبر را بمنابه عقب نشینی طرح گردانید و رسیدن به سوسیالیسم، بنا بر این سیاست دهستانی با پایه مورد تجدیدنظر فرا و گیرد، اما مساله بیرونی به شکل شکوه از شیوه "عمل دبیرخانه و شوره" استالین که از طریق دبیرخانه کنترل حزب را بدست داشت درآمد. استالین بنوبه خود تلاش نمود تا کمیته "حزبی لنینگراد (پتروزبورگ) را که مسناه هوا دارد زینوویف بود تحت کنترل درآورد و موقعیت اورا در هیأت اجرائیه کمیته رون (که زینوویف مدرآن بود) تضمیک شاید. جناح زینوویف با پیوشن سوکولونیکف (Sokol Nikov) و کروپسکایا تقویت شد. در کنگره "چهاردهم که در سال مهر ۱۹۲۵ برگزار شد کامنف ملتنا استالین را برای احراز مقام دبیرکلی نامناسب خواند و کروپسکایا با رهبری فردی در حزب مخالفت نمود. محور مبارزه "دروون حزب و در رهبری موقعیت از مبارزه" بین استالین و تروتسکی به مبارزه "بین استالین و زینوویف و کامنف، این متحدا نهادن تا دیروز، تفہیمی بیافت، تروتسکی ابتدایه جدی بودن این مبارزه‌ها و رنداشت و موقع سکوت و بیتفاوتی در پیش گرفت و در تما می طول کنگره ساکت و منقطع بود.

زینوویف که جزو نایندگان لنینگراد هوا داری نداشت در اقلیت بود و استالین به کمک بوخارین و رایکوف سادگی "اپوزیسیون جدید" (آنچنانکه اپوزیسیون زینوویفی خوانده میشد) را شکست داد. کامنف به دفتر سیاست برگزیده نشد. کنگره

تنها در قطعنامه‌ای که اشاره به ضرورت توجه به منابع نظامی و منابع سکین برای خودکشاندن روسیده در مورت پروژه خط را رجی داشت بخشی از نظرات آبوزیمون جدید را تأیین کرد. اما آبوزیمون جدید کا ملا شکست خورد. پس از گذگره، چهاردهم واکا اول سال ۱۹۲۶ اقدامات تشکیلاتی موثری علیه آبوزیمون جدید مورت گرفت. راندن هوا داران خط زینوویف - کا منف از پیش‌تازی تشكیلاتی و تحکیم کنترل استالین بر دستگاه حزبی بیش از پیش تازی نمی‌شد. مهمترین مانع در این راه تشکیلات حزبی لینینگراد بود. این تشکیلات که بکار از معتبرترین سلطه‌ای کارگری حزب و تجلی پرسولتاریای گمومیست و سازمان باقیه روسیه بود، از قدم عرصه نفوذ و انتوریته زینوویف بود. استالین قبیل از همه کوشیدتا خود را از شر این تشکیلات خلاص کند و با توجه به تسلط اش بر ایزراهاي تشکیلاتی و دبیرخانه و دفتر تشکیلات مرکزی فیروزی ممکن نبود که از پس انجام این مهم بروآید. عده زیادی از کادرهاي تشکیلات لینینگراد با عنوان "ماموریت‌های حزبی" به مناطق دوردست و مناطق دیگر فرستاده شدند. عده‌ای تحت عنوان زیر پاگداشتن موازین اضطراری از فعالیت حزبی محروم شدند و عنان مرجدیدی در ارگانهای رهبری این تشکیلات منحصربه‌شده شدند. هوا داران زینوویف از پایه اصلی قدرت شان در لینینگراد دور شدند.

در پی راه ۱۹۲۶ با لآخره شروع شکنی و هوا دارانش ("آبوزیمون چپ") و زینوویف و کامن و هوا دارانشان ("آبوزیمون جدید") نیروها بیان را به اهم متحده کرده و تحت نام "آبوزیمون متحده" به مقابله با استالین و جریان غالب برکمیته مرکزی بروختند.

متغیر این ائتلاف، "آبوزیمون متحده" بیانیه معروف به بیانیه ۱۳ نظر را مادر نمود. این بیانیه در تاریخ ۲۷ دی ۱۹۲۶ و خطاب به اعضا کمیته مرکزی و گمومیون کنترل حزب نوشته شده است و نظرات آبوزیمون را به شکل منجم ترویجیستیک تحری بیان کرده و در زمینه سیاستهای اساسی حزب و حکومت پهلوی در قالب مسائل داخلی و چه مسائل بین‌المللی انتقادات مشخصی را عنوان نموده است.

ظریفیا میتوان گفت که تماشی جریانات، با زمانده‌ها و گرایشات مربوط به جناح چپ حزب از جمله "آبوزیمون کارگری" و "آبوزیمون چپ" و هوا داران زینوویف و کا منف، فعالیت‌های تشکیلات لینینگراد و عده زیادی از اعضا و فعالیتی که به برانگیز و سیاستهای حزب و گرایشات رشیدیانه در آن دردهه ۲۰-۲۱ انتقاد و اعتراض داشته به "آبوزیمون متحده" بیرونستند. حتی "گروه مانتزالیسم دمکراتیک"، که ساپریونوف و اسپریونوف از هر ران آن معتقد بودند که حزب و دولت شوروی کا ملا تغییر ماهیت داده و به حزب و دولتی بورژواشی و اصلاح شاپذیر تبدیل شده‌اند، دریندو امریک "آبوزیمون متحده" نزدیک شده و برای وحدت‌ها آن به گفتگو برداختند.

اساس ترین نکات نظرات و سیاستهای این جریان، که در مبانی زیرخودش را فرموله می‌کرد، بیش از هر جریان دیگر در آن زمان و معموماً بیش از جریان مسلط تحت رهبری استالین، نشانده‌نده "نزدیکی آبوزیمون متحده" به سفن لینینگراد و بلشویک و به

آرمانهای کمونیستی پرولتا ریا میباشد. همچنین شایدبتوان تشکیل "ابوزیسیون متعدد" و تلاش آن برای تغییر سیاستها و پرا تیک حزب و دولت شوروی در ضیمه "دوم دهه" ۲۰ را آخرين تلاش و فعالیت جناح چپ پرولتری این حزب، بحسب آورده، گرچه این خود تلاشی بود مأبوا نه که بهبیشتر نشانده‌است، عجز و ناتوانی و سردگمی این جناح در قبال سیاستها و پرا تیک کاملاً بورژواشی و مذهبپرولتری بود، که کل حزب و حکومت شوروی در دستور کار و مینای فعالیت خود قرار میداد. و شایدبتوان "ابوزیسیون متعدد" را محق دانست که خود را جربا ن بشویگ - لذتمنیست‌های حزب کمونیست و جناح چپ جنبش کمونیستی و کارگری روسیه و جوشی از جناح چپ جنبش کارگری و کمونیستی جهان معرفی میکرد. (المبتدئین جربا ن بمنابعه بک جربا ن کارگری و کمونیستی ضعفها و در مساوا ردی اشعار افات متعدد خود را دارد که در اینجا معور بحث من نیست).

"ابوزیسیون متعدد" و بطور کلی جناح چپ، بحرا ن حزبی و حکومتی ورشد و گسترش بینما ری سور و کرا تیم در حزب و حکومت ورنگ باختن شیوه‌های کمونیستی و پرولتری در عرصه‌های مختلف را در "اختلاف میان رهبری سیاست اقتصادی [سیاست اقتصادی غلط]" و احتمالات و افکار پیشروان پرولتا ریا، [که] نیاز به یک فشار دائمی را تقویت کرده و به سیاست خدمتی اداری و سور و کرا تیک می‌بخشد" میداند. بیانیه ۱۳ نفر تاکید میکند که "در شرایط فعلی بدون بهبود سیستماتیک وضعیت کارگران شروعی اقتصادی و نه ساختمان سوسیالیسم ممکن نیست".

این بحث به بیان‌های مشتملتری هم در می‌آید؛ انتقاد به مساله "دستمزدها و سیستم آن و خواست افزایش آن"؛ توجه و پیزه به مساله "خانه‌سازی برای کارگران، در پیش گرفتن بک سیاست مالیاتی صحیح و پیشنهاد معاافیت مالیاتی ۵۰٪ اهالی خانوارهای فقره روستا شی؛ ضرورت چاره‌اندیشی علیه بیکاری - که در اثر عقلانی کردن صنعت زیاد شده و میتوانست بیشتر هم بشود؛ ضرورت تجدیدنظر در سیستم قیمتها (کاهش بیشتر قیمت کالاهای عمومی و چاره‌اندیشیدن برای پاشین بودن قیمت محصولات دهستان) و بک رشته مسائل و مطالبات دیگر نزدیکی آشکار جناح چپ را به مطالبات و آرمانهای پرولتا ریا نشان میدهد.

همچنین در زمینه "مسائل بین‌المللی و پیکره‌های مساله ایستراتژیک اموالی جناح چپ در مقابل تفاوت راست روانه ناسیونالیستی و بورژواشی جربا ن غالبه، موضعی پرولتری ولنیستی اتخاذ کرد. مهمترین آنها را میتوان مخالفت با این دیدگاه، مدلینیستی که گویا سرمایه‌داری در زمینه اقتصادی در روسیه ازین رفتار آنچه وجود دارد، نه سرمایه‌داری انساری دولتی تحت حاکمیت پرولتا ریا بلکه سوسیالیسم است، نام برد. در همین زمان استالین تزمعروف خود تحقیق عنوان "ساختمان سوسیالیسم در یک کشور" را که عدتاً فرموله نمی‌داید در مقابل انتشار ناسیونالیسم پرولتری بود عنوان کرد، بود.

بموجب این تز ساختمان سوسیالیسم امر معمم پرولتا ریای شوروی، کمپین‌رون و جنبش کارگری و کمونیستی جهان است و همچیز با پیدا خدمت تحقق این هدف اصلی بخدست

گرفته شود. نکته "بسیار با اهمیت دیگر در زمینه مسائل بین‌المللی و تاکتیک اصولی و کمونیستی چه در رابطه با انقلاب چین و چه در رابطه با نهاده برخورده است انتساب عمومی انگلیس (۱۹۲۶) و کمیته روس - انگلیس دور میزد، استالین نظرات کا ملا سازشکارانه رفرمیستی و ناسیونالیستی در این زمینه‌ها داشت حال آنکه باز هم "اپوزیسیون متعدد" و جناح چپ نظرانی رادیکال و انقلابی داشتند.

اما ضعف‌ها و اشتباهات، هراکت‌گی سازمانی و سیاسی و مهمتر از همه به تحلیل بردن نیروهای خود در مبارزه درونی چندسال گذشته علیه همدیگران توانستی در اراضی آلتترناتیوی منضم و همه جانبه در مقابل آنچه استالین و جناح غالب در تعاونی زمینه‌ها عرضه نمیکردند، ناتوانی در بین مشخص برناهای وسیاسی بخشیدن به خواستها و مطالبات خود و فراخواندن طبقه کارگر به پراستیکی متفاوت و مذاقیر با سیاستها، برناهه و پرتابیکی که جناح غالب عنوان میکرد و علاوه بر همه اینها هراکت‌گی از هم‌گسیختن مطبوع اپوزیسیون با استفاده از ابزارهای تشکیلاتی، آن عواملی هستند که مکان سازماندهی یک مقاومت و مبارزه فعال طبقاتی از جانب جناح چپ را منتفی نمیکنند.

بسیاری از کادرهای "اپوزیسیون متعدد" به اتهام برگزاری جلسات مخفی از حزب (که مطابق قطعنامه کنگره، دهم معاون فراکسیونیسم و ممنوع بود) ازبیت‌های خود برگشناور شدند. سپس در پلنوم تاپستان ۱۹۲۶ کمیته مرکزی استالین مدعی شد که زینوویف با کمونیستهای ناراضی و اخراجی از کمیته‌tron در سطح جهانی مرتبط میباشد و به این ترتیب از دفترسیاسی کنار گذاشتند.

استالین در یک تعریف سیاسی، انحراف اپوزیسیون را به چه روی بلکه راست روی خبرده بورژواشی نامید، زیرا برخی از هوا داران "اپوزیسیون متعدد" خواهان این شده بودند که برای بهبود وضعیت صنایع به سرمایه داران خارجی اعطای امتیاز شود. (چیزی که لینین خود پکار گفت بود). مبارزه بالا گرفت و "اپوزیسیون متعدد" دست به برگزاری جلسه‌های مستقل در هسته‌های کارگری در کارخانجات زد. جناح استالین این عمل را خلاف موازین حزب اعلام کرد و تصریح شدکیلاتی را آغاز نمود. رهبران اپوزیسیون (از جمله تروتسکی و زینوویف) پناگزیر پذیرفتند که موازین انتباطنی عزیز را تنفس کرده‌اند. این اتفاقات "اپوزیسیون متعدد" را بیش از پیش ضعیف و پاکشیده نمود. به همین دلایل در اکتبر ۱۹۲۶ زینوویف از کمیته‌tron اخراج شد و تروتسکی از دفترسیاسی کنار گذاشتند. مرکزیت تقاضاهای اپوزیسیون برای اینکه برناهای اپوزیسیون متعاقب بیانیه ۱۳ نظر برناهه مفصل و جامعی تنظیم کرده بود) به اطلاع نمایندگان کنفرانس آتنی برسد را رد کرد. فشار بر اپوزیسیون متعدد ادامه یافت.

"اپوزیسیون متعدد" این خود را به کنگره ۱۵، که مدت‌ها به تأخیر افتاده بود بسته بود. اپوزیسیون به این منظور بیانیه مفصلی (سومین بیانیه اپوزیسیون که به بیانیه ۸۳ نظر معروف است) را آماده نمیکرد. در این بیانیه آنها خواستار تغییر کلی رهبری بودند. کمیته مرکزی با انتشار چنین بیانیه‌ای موافق نکرد. (با زیبمان دلیل

فراکسیونیسم و مصوبه "کنگره" دهم) اما "اپوزیسیون متعدد" این بار با استفاده از چاپخانه‌ای مخفی به نامه "خود را پیش چاپ نمود". پلیس مخفی توانست این ماله را کشف کند و کاربندی‌بلنوم کمیته مرکزی (در ۱۹۴۷) کشید. ترونسکی وزیرنوبیت از کمیته مرکزی اخراج شدند.

عده‌اندیشی میدانیم که از عده‌های قطعنامه "مصوب کنگره" دهم از جمله این حق را به استالین و کمیته مرکزی میداد تا با تسلیم بدهاتهم فعالیت فراکسیونیستی حتی اعضا کمیته مرکزی منتخب کنگره را از کمیته مرکزی اخراج نمایند. اما اوج ماجرا هنوز در پیش بود. در شوال مهر ۱۹۴۷، دردهمین سالگرد انقلاب اکتبر، رهبران "اپوزیسیون متعدد" نظاهرات مستقلی را در لنهنگرداد و مسکو سازمان دادند. نظاهرات اپوزیسیون بهولت توسط پلیس مخفی یا جمعیتی عمله کننده در هم‌شکسته شد و ترونسکی وزیرنوبیت رسمی از حزب اخراج شدند. کنگره ۱۵، که یکما بعد از این واقعه منعقد شد، اخراج آنها را تأیید نمود. قریب ۱۰۰ عفو و هوا دار "اپوزیسیون متعدد" (شامل گروه سانتوالیست دمکراتیک‌ها) از حزب اخراج شدند و طی قطعنامه‌ای به کمیته مرکزی اختیار داده شد که "حزب را از عناصر آنکارا اصلاح ناپذیر اپوزیسیون ترونسکیست تصرف نماید".

هذه رهبران اپوزیسیون به نفاط دور داشتند و بعید می‌شوند و هم‌فرم تمهیین‌ها و بازگشتها بعده برخی از آنها به حزب، به این ترتیب کمر جناح چپ شکسته می‌شود. استالین به قدرت بلامنازع حاکم بر حزب کمونیست شوروی تبدیل می‌شود و پس از خلاصی از شر اپوزیسیون چپ، طی یک "چوخش به چپ" در ۱۹۴۸، به تدریج بخش دیگری از رهبری حزب مشکل از بخواهی، را بکوف و توکی را در "جنایع راست" قرار میدهد و مبارزه‌ای را علیه آنها آغاز می‌کند. مذاویت نویسانه است و عنای مراحلی این "جنایع راست" هم‌از دفتر سراسی و مقامات حزبی و حکومتی شعبیین کننده‌شان عزل و کنارگذاشته می‌شوند و بجا آنها صادر سرمه‌داری متصوب می‌شوند.

بعدین ترتیب جامعه روسیه در آستانه تغییرهای بزرگ دهه ۴۰، بازداشت‌های وسیع و تبعید هزاران نفر را عضای حزب کمونیست شوروی و محکمه‌ها عدام اکثر رهبران و کادرهای قدیمی حزب و انقلاب اکتبر و نیز انتقال و اضطرال کمیشنون و نابودی فیزیکی کادرهای عمد، رهبری آن، که در شوروی فعالیت می‌کرده و بسر می‌بردند، اثرا رگرفت. اما در عین حال جامعه روسیه‌ای داری ضربه مورده و مغلل شده در اثر انقلاب اکتبر و حرکت درجهت استقرار و تعکیم سرمایه‌داری انتشاری دولتی و رشد عظیم و نهول آسای اقتصادی بر طبق برنامه‌های پنج ساله اقتصادی، که در تما می‌طول دهه ۴۰، به‌گذر از روی تمامی عوارض و آثار باقیمانده از انقلاب اکتبر و حتی شابودی فیزیکی رهبران، فعالین و کادرهای عمد، حزب پلشوبک و نفی حاکمیت شورا‌های کارگران و دهستانان، و تا فراز گرفتن در آستانه دومن جنگ جهانی ادامه داشت، فرا رگرفت.

اشاره به رشوه و قابع و حوا دست مهم این دوره خود احتیاج به بحث و نوشته‌های

دیگری دارد که در این مقدمه فروض برداختن به آن نیست . بعلاوه مطمئناً توافقها ت فوق
برای بدست آوردن خداقل اطلاعات از وقایع دوران شکلگیری، فعالیت‌ها و اضمحلال
سیاسی اپوزیسیون چپ یا جناح چپ حزب کمونیست شوروی دردهه^{۲۰} بسیار کلی، گذا
ختمروند کافی می‌باشد . من همچنین مطمئن هستم به برخی از اساسی‌ترین وقایع و
تحولات در این را بطریش اشاره نشده است، اما علیرغم این، هم برای کک به‌راشه^{۲۱} تصوری از
آن اوضاعی که بیانیه‌های مختلف اپوزیسیون چپ در دل آن منتشر گردیده است، و هم برای
شروع بک مطالعه و تحقیق دقیق‌تر و مشخص‌تر، علی الخصوص برای جنبش چپ و کمونیستی
ایران که در این زمانه جزء تبلیغات بازجویان و شکنجه‌گران و دادستانها و دادگاه‌های زینوویف و
کامنوف و بیوخارین و سخنگویان و هم‌ستان و پیروان آنها، با وقایع تاریخی این دوره
آشنا شی سیار کمی دارد، انتشار این مجموعه مفید بمنظور می‌رسد . مطالعات بیشتر و تجزی
برخورد فعالانه^{۲۲} هم، رفقا درجهت تدقیق و تکمیل این اطلاعات کمک خواهد کرد تا هم
نقاش این نوشته بر طرف شوند و هم تصور در قیقری از مبارزه^{۲۳} درونی بین گرایشات
 مختلف درون حزب بلشویک دردهه^{۲۴} و مسائل مورداً اختلاف آنان و علی الخصوص آن
اشتباهات اساسی جناح پرولتاری و لینینی حزب که آنها را از مقابله با جناح استالین و
بدست گرفتن رهبری مبارزه^{۲۵} طبقه^{۲۶} کارگر درجهت نابودی قطعی سرمایه‌داری، استقرار
دیکتا توری پرولتا ریا و حرکت‌نهاشی درجهت تحقق آرمانها و کمونیستی محروم کرد،
بدست آوریم، بنظر من این مطالعه و بررسی با بدین‌این سوالات اساسی پردازد که:

- زیستهای دلائل و علل شکن حناج چه چیزی دند؟

- اشتباهات و انحرافات تعیین کننده "جنایت چپ" در زمینه های مختلف چه بودند؟
- چرا پیشوای نظام حاکم پوشیده و تحقق اهداف وسایلی هزب و دولت از مقطع درهم شکستن ابوزرسون چپ و بنای عمل فرا رگرفتن برناهای پنجاه و سه باگذشتن از روی نعش رهبران انقلاب اکبرونا بودی و قلع و قمع کمونیستها.

— 1 —

امیدواریم در فرمتی مناسب تاریخچه، مفصل تری از ابوزیمون درونی حزب
بلشویک را بازگو کنیم و درجهت با سخگوشی به متواالات فوق گام برداریم.

پلاتفرم ۶۴ نفر

به دفترسیا سی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه

۲۰۵

موقعیت بسیار جدی کنونی ما را موظف میکند که (بنام منافع هزبمان، بنام منافع طبقه، کارگر) آشکارا اعلام کنیم که ادامه سیاست اکثریت دفترسیاسی کلمه هزب را به فجایع و خیانت تهدید میکند. بحران اقتصادی و مالی آغاز شده در اواخر زوشه، سال چاری همراه با تمام مواقب سیاسی و منجمله درون هزبی آن بطور قاطع عدم کنایت رهبری هزب را چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه روابط درون هزبی آشکار ساخته است. خلقت تعاوی، فکر نشده و غیر منظم تصمیمات کمیته مرکزی که قادره بر قراری موازنی در عرصه اقتصادی نشده است، به وضعیتی انجام نمیده که، با وجود تما می موفقیت های عظیم و تردیدنا پذیر حاصل شده در عرصه صنعت، کشاورزی، مالی و حمل و نقل - موفقیت ها شی که بطور خودبخودی توسط اقتصاد کشور کسب شده و شهله لطف رهبری بلکه علی رغم عدم کنایت رهبری و با بهتر بگوئیم غبیت کامل آن حاصل شده است - مانند تنها با چشم انداز توقف این موفقیتها بلکه با یک بحران وحیم اقتصادی روپرور شیم.

ما امروز با سقوط قریب الوقوع پول رایج^۱ (Chevronet)، که بطور خود بخودی و قابل از رفع کربو دجدب وجود رایج امی بدل شده است؛ با این بیعتان اعتمادی کند در آن دیگر کوسانگ^۲ نمیتواند، بدون خطریک سقوط جدی، صنعت های تجارت کالاهای صنعتی و پا حتی خرید غله برای مادرات را تأمین نماید؛ با توقف فروش کالاهای صنعتی در نتیجه قیمت های بالا، که خود از پکسون های غبیت رهبری سازمانی با برنا مهد صنعت و از سوی دیگر با وجود یک سیاست احتیاطی غلط توضیح داده میشوند؛ با عدم امکان تحقق برنامه مادرات غله در نتیجه ناتوانی در خرید غله؛ با قیمت های فوق العاده پاشین برای محصولات غذائی که به دهقانان لطفه میزند و خطریک کا هن و سیع در تولید کشاورزی را دربردارد و با نابرا بری های در برداخت دستمزدها که نارخا بنتی طبیعی در میان کارگران پیرا نگیرند و بطور غیر منظم موجود هرج و مرچ در دستگاه دولتی است، مواجهیم.

روش‌های "اسلامی" در کاهش ارتفاع هنگام تهیه سودج و کاهش‌های مجدد و آشکار هنگام اجرای آن، دیگر مواظبن انتقالی نیستند؛ بلکه به پدیده‌های معمولی بدل شده‌اند که داشتگا دولتی را آشفته می‌کنند، و در نتیجه فقدان هرگونه نظریه در کاهش‌های مواد نگرفته‌اند.

برخی از عناصر بحران اقتصادی، اعتباری و مالی هم اکنون غاز شده‌اند. اگر تداوم
کسری، فکر شده نقد متدوفعه لامبیدریک استخاذ شود، اگر فقدان کنونی رهبری ادامه

یا بد، مابا امکان وقوع یک سقوط اقتصادی سریع مواجه میشود که بطور اجتناب ناپذیری با کشاکش‌های سیاسی درونی و فلجه شدن کامل بازدهی بیرونی و ظرفیت عملمان همراه است. و به این آخری، هنچنانکه هم‌بُرای همه‌کس قابل درک است، امروز بیش از هر وقت دیگر محتماً جیم؛ سوتوشت انقلاب جهانی وظیفه کارگری‌تام کشورها به آن بستگی دارد. در عرصه مناسبات درونی حزبی هم مابطور مشابهی شاهد آنیم که همین رهبری غلط در حال فلجه کردن و تکثیر کردن حزب است، این نکته بسیزه‌در این دوران بحرانی که در حال گذرانندیم آشکارا بروز میکند.

ما این را با ناتوانی سیاسی رهبران فعلی حزب توضیح نمیدهیم، بر عکس هراندازه هم‌که مابا ایشان در مورد ارزیابی از وضعیت و انتخاب ابزارهای لازم برای تغییر آن اختلاف داشته باشیم، معتقدیم که رهبران فعلی میتوانند در هر شرایطی از سوی حزب به مکانهای برجسته‌ای در دیکتا توری کارگران کماید، شوند. ما این را با این واقعیت توضیح میدهیم که در ورای وحدت رسمی ظاهری، عملاً مانند کارگیری بکجا نباشد، افراد و رهبری بکجا نباشد، امور در تعطیلی با نظرات و تعبیلات یک معفل محدود هستند. در نتیجه چنین رهبری حزبی که توسط این ملاحظات تنگ نظرآشده مخدوش شده، حزب ناحد چشمگیری دیگران اجتماع مستقل وزنده‌ای نیست که با واقعیت زنده‌ها هزاران بند مرتبط است، و از همین رو آنرا با حساسیت در می‌باشد. بجای آن ما شاهد افزایش داشتی جداشی میان سلسله مراتب دبیران و "جمهارت خاوش"، میان مقامات حرفه‌ای حزبی که از هالا استخدام شده‌اند و توده، همومی حزبی که در زندگی مشترک شرکت نمیکند، هستیم. این جداشی دیگرا امروز بمندرجات مخفی نمیشود.

این واقعیتی است که بره رعوی حزب معلوم است. اعشا شی از حزب که از این با آن تضمیم‌کمیته مرکزی و یا حتی یک کمیته شهرستان ناراضی باشد، که در این با آن مورد شکی در ذهن داشته باشد، که بطور خصوصی این با آن اشتباهی با سی نظمی را بادآوری کند، از سخن گفتی در این باره در جلسات حزبی میترسند و حتی از صحبت در باره آن در هر مکالمه‌ای وحشت دارند مگر آنکه طرف محبوب از نقطه نظر "رازداری" قابل انتکاء باشد، بحث آزاد در درون حزب عملاً از بین رفته است و اتفاقاً رفعی حزب به سختی نفس میکشد. امروزه این حزب نیست، توده‌های وسیع آن پیش‌شده‌که اعضاً کمیته‌های شهرستان و کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه را تعیین میکنند. بر عکس سلسله مراتب دبیران حزب به درجه داشتای پیشتری عضویت در گنفرانها و کنگره‌ها، که آنها نیز بنویه خود را شما به مجامعت اجرایی این سلسله مراتب بدل میشوند، را تعیین میکنند. سیستم مستقر شده در حزب کاملاً غیرقابل تحمل است. این سیستم استقلال حزب را نا بود میکند و حزب را با یک دستگاه بوروکراتیک استخدام شده تعویض میکند که اگرچه در زمانهای عادی بدون اختلال کار میکند، در لحظات بحران بطور اجتناب ناپذیری نا موفق است و خطر آن وجود دارد که در برابر این و خیمی که در انتظار است کاملاً نا موضع باشد.

وضعیت پدید آمده با این واقعیت توضیح داده میشود که عمر سیستم دیکتا توری یک

فراکسیون در حزب که علاوه پن از کنگره دهم پدیدار شد بسررسیده است. بسیاری از ما آگاهانه استقرار این سیستم را پذیرفتند. چرخش سیاست ما در سال ۱۹۲۱ در دوران پس از بسیاری رفیق لذین بنظر برخی از مایک دیکتا توری درون حزبی را بعنوان یک تدبیر مؤقتی ضروری می‌ساخت. رفقاء دیگر از همان آغاز برخوردی شکا کانهای منفی در قبال آن داشتند. به مرور در زمان کنگره دوازدهم حزب عمر این سیستم بسررسیده بود. این سیستم طوف دیگر خود را نشان میداد. ارشادات درون حزب آغاز به تضعیف شدن نمود. حزب در بستراحتها رفراز گرفت. جنبش‌های افراطی و انکار اسطوانی اپوزیسیون درون حزب آغاز به کسب حملتی فدحی نمودند، زیرا جاشی برای بحث رفیقانه در مورد مسائل آتشین نبود. چنین مبارحتی بدون دشواری حملت سرطانی این جنبش‌ها را چه به توده حزبی وجه به اکثریت مشارکت کنندگان در آنها نشان میداد. عواقب [انجام ندادن این عمل] از یکسو پدید آمدن جنبش‌های غیرقا نونی است که اعماق حزب را به خارج از محدوده‌های حزب می‌کشاند و از سوی دیگر جدا شی ما بین حزب و توده‌های کارگر است.

اگر وضعیتی که بدین ترتیب پدید آمده بطور ریشه‌ای در آینده نزدیک تغییر نکند، بحران اقتصادی در روسیه شوروی و بحرا ن دیکتا توری فراکسیونی در حزب موجب خوبات سنگینی به دیکتا توری کارگران در روسیه و حزب کمونیست روسیه خواهد شد. با چنین مباری بردوش، دیکتا توری برولتاریا در روسیه و رهبر آن حزب کمونیست روسیه نمی‌تواند وارد فاز جدید آشفتگی‌های قریب الوقوع جهانی شود سی آنکه چشم‌انداز نکست در سراسر جهه مبارزه برولتري را داشته باشد. البته در نگاه اول ساده‌تر این خواهد بود که مثله با اتخاذ ذا این تضمیم حل شود که با توجه به تمام اوضاع و احوال جاشی برای طرح مثله تغییر صیرحرکت حزب و در دستور قرار دادن وظایف جدید و پیچیده وجود نداشدارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. اما کاملاً آنکه راست که چنین نقطه نظری به بیش و سری چشم‌ها در برآ بروضعیت واقعی خواهد نجا مید، زیرا تعام خطر در این واقعیت نهاده است که هیچ وحدت واقعی در فکر و باد عمل در برآ بریک موقعیت فوق العاده پیشنهاده داخلی و بین المللی وجود ندارد. مبارزه‌ای که در حزب وجود دارد به درجه که خاموشانه و مخفیانه به پیش بروز تلخ تر خواهد بود. اگر ما این مثله را در برآ برگمیته مرکزی فرار می‌دهیم، دقیقاً از آنروز که مایلیم سریعترین و کم در دستورین نتیجه‌ها را تهاده اشی که در حال تکه‌ها ره کردن حزب هستند گرفته شود و حزب بدون درنگ برپیش ای سالم قرار داده شود، وحدت واقعی در آراء و اعمال ضروری است. دشواری هاشی که در پیش داریم علی فوق العاده متوجه می‌گردد. کاملاً آگاهانه و همراهان اتحاد برآ در این از سوی تمام اعماق حزب می‌طلبند. سیستم فراکسیونی باید بالآخر شود. و این با پذیره درجه اول توسط کسانی مورت گیرد که آنرا بوجود آورده‌اند. این سیستم باید با سیستمی از وحدت رفیقانه و دمکراسی درون حزبی تعویض شود.

بمنظور متحقق ساختن آنچه در بالا اشاره شد برای اتخاذ تدابیر لازم برای خروج

از بخرا ان اقتصادی، سیاسی و حزبی ما به کمیته مرکزی بعنوان اولین و فوری ترین قسم پیشنهاد میکنیم که کنفرانسی از اعضای کمیته مرکزی و بر جسته ترین فعالیتین حزبی فراخوانده شود، با این ملاحظه که لیست مدعوین باشد شامل تعدادی از رفاقتی های باشد که نظراتشان درباره "موقعیت [کنونی] از نظرات اکثریت کمیته مرکزی متفاوت است.

امضاهای "بیانیه به دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه
در مورد موقعیت درونی حزب"^۴

۱۵ اکتبر ۱۹۴۳

ای . پروپرهازنکی^۵ - ب. برسلاف^۶ - ل. سیریاکوف^۷

با برخی اذنکات نامه در مورد دلیل موقعیت فعلی موافق نیستم اما معتقدم که حزب بطور فوری با مسائلی رو بروست که نسبتواند آنها را با روشای تاکنون بکار گرفته شده تمامًا حل کند، من کا ملا با نتیجه گیری نهایی نشانده حاضر همراهم.

۲. بلو بوروودف^۸

با پیشنهادات کامل موافقم، اگرچه با برخی نکات در انگیزه موافق نیستم،

۳. روزنگولتس^۹ - م. آلسکی^{۱۰}

در اساس من در نظرات این فراخوان شریکم، تذاکراتی بکسر خود مستقیم و صمیمه شده تمام اشکالات این آنقدر فوری شده است که من کا ملا از پیشنهاد فراخوان کنفرانس به منظور روشن کردن راههای عملی به این دادن به انبساط مشکلات، پشتیبانی میکنم.

آنتونوف او سینکو^{۱۱} - ا. بندیکتوف^{۱۲} - ای. ان ا سیرنوف^{۱۳} - بیو. پیاتاکوف^{۱۴} - و. ابولنیسکی (او سینکی)^{۱۵} - ن. مورالف^{۱۶} - ت. ساپروتوف^{۱۷}

* - در نسخه ای که ترجمه [انگلیسی] از آن صورت گرفته است، غیر ممکن است که بـ اطمینان ترتیب اصلی امضاها تشخیص داده شود - یادداشت مترجم انگلیسی.

وضعیت حزب و وضعیت بین اعلانی چنانست که تمرکزی غیرعادی از نیروهای حزب بدرجه‌ای بینشتر از سابق را می‌طلبد. من خود را طرفدار بینها نبه اعلام می‌کنم و آنرا منحمرا بعنوان تلاشی در جهت بازگرداندن وحدت حزب و تدارک حزب برای وقایع آنی تلقی می‌کنم. طبیعی است که در حال حاضر نمی‌تواند بخشی از یک مهازله در درون حزب به رشکلی باشد. ضروری است که کمیته مرکزی وضعیت را بدقت بررسی کند و تدارک پرخوری درجه‌تازه ازین بردن نارخابی در درون حزب و نیز در توده‌های غیرحزبی اتخاذ کند.

۱. گولتسن^{۱۶} - و، ماکسیموفسکی^{۱۷} - د. سوستوفسکی^{۱۸} -
دانیشفسکی^{۱۹} - ا. اشیدل^{۲۰} - ن. واگانیان^{۲۱} -
ای. استوکوف^{۲۲} - آ. لوپانف^{۲۳} - رافايل^{۲۴} -
س. وسیلشنکو^{۲۵} - ژاکوف^{۲۶} - آ.م. پوزاکوف^{۲۷} -
ن. نیکلایف^{۲۸}

از آنجاکه اخیراً تأثیرات از کار در مرآکز حزبی بسیار بوده‌ام از هرگونه ارزیابی در مورد پاراگراف اول در بخش معرفی خودداری می‌کنم. در مورد بیانیه کاملاً موافق،

آورین^{۲۹}

من با توصیف وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور آنطورکه در قسمت اول آمده‌است موافقم. گمان می‌کنم که در قسمت مربوط به وضعیت درون حزبی تأثیرات از هرگونه ای مبالغه شده است. کاملاً ضروری است که فوراً تدارک برای درجه‌تازه حفظ وحدت حزبی اتخاذ شود.

ای. بیوگوسلافسکی^{۳۰} - پ. میاشف^{۳۱} - ت. خورشکو^{۳۲}

من با برخی از نظرات قسمت اول بینشه موافق نیستم، من با برخی از نظرات بندی‌های موقعیت درون حزبی موافق نیستم. در عین حال عمیقاً معتقدم که وضعیت حزب اتخاذ تدارک بر رادیکالیستی را می‌طلبد زیرا این وضعیت در مال حافظه سالم نیست. من کاملاً با

پیشنهاد عملی موافقم.

۷. بوبینف^{۳۳}- آ. درونسکی^{۳۴}- و. سمبرنوف^{۳۵}- ای. بوش^{۳۶}
ای. بیک^{۳۷}- و. کوسیور^{۳۸}- ف. لوکاتسکف^{۳۹}.

با توصیفی که از موقعیت اقتضای شده در توافق کامل قرار دارم، گمان میکنم که تغییر دیکتا توری سیاسی در حال حاضر خطرناک است، اما یک روش نگرانی ضروری است. پناظر من تشکیل یک کنفرانس کاملاً ضروری است.

کامکا نویوچ^{۴۰}- دورینیس^{۴۱}- پ. کوالنکو^{۴۲}-
ای. مینکین^{۴۳}- و. باکوفلوا^{۴۴}

با پیشنهاد اول عملی موافقت کامل دارم.

ب. التسین^{۴۵}

من با حفظ همان ملاحظات رفیق بوبینف اینها میکنم.
ل. لوینین^{۴۶}

من با ناشید ملاحظات بوبینف اینها میکنم. اگرچه به با فرم و نه بالعن موافق نیستم، خلعت آنها مرا ترغیب میکند که باشدت بیشتری با بخش عملی بیانیه موافقت کنم.

ا. پالیودف^{۴۷}

من در توافق کامل با قسمت اول که از وضعیت اقتضای کثور سخن گفته میشود نیستم، این واقعاب سیار جدی است و بررسی فوق العاده دقیقی را می طلبم، اما حزب تا کنون افرادی که رهبری آشرا بهتر از کسانی که تا کنون رهبران بوده اند، به پیش بینند، نیافریده است.

در مورد مسئله وضعیت درون حزبی معتقدم که بخش مهمی از حقیقت در آنچه گفته شده وجود دارد و برای این باورم که اتفاذه تدا بیرونی ضروری است.

ف. سودنیک^{۴۸}

سی اپنے ۹۳۰ نظر

۴۹ به اعضای کمیته مرکزی و کمیسیون کنترل مرکزی حزب

واقعیات آشکارا تهدیدگذشته‌ای که اخیراً بطور مکرر روپیده است، یک ارزیابی دقیق و آگاهانه و اغوری می‌سازد. علیرغم تماشی تلاشها شی که از بالا درجهت جدا ساختن بخش معینی از حزب از کارگران و واحد ارتباطی این بهش به ترک و رهانمودن روش‌های خاص خود صورت می‌پذیرد، ما بطور تزلزل ناپذیری به حفظ وحدت معتقدیم. دقیقاً به همین خاطراست که می‌خواهیم به اتمام مذاقت، بی پردگی و حتی خشونت نظریات خود را درباره "این پدیده‌های ناسالم که حزب را تهدید می‌کنند، بدون هیچگونه تخفیف، لایه‌شناسی و با سکوت ابراز ننماییم.

۱ - بوروکراسی، سرمنشاء فراکسیونها

آن علت بلاوا سطه‌ای که بعran درونی حزب را روز بروز تشدید می‌کند بوروکراسی است که بس از مرگ لعنین بطور هبولاوا ری رشد کرده است. این بوروکراسی همچنان توسعه می‌باشد. کمیته مرکزی یک حزب حاکم، برای اداره دولت، نه تنها از ایزازهای اپدیشوژن و اداری محروم احراز، بلکه از امکانات اقتصادی و دولتی نیز برخوردار است. لعنین همواره از خطر تحرک قدرت اداری در دست گارندان حزبی که موجب ایجاد فشاری بوروکراتیک بر حزب می‌شود، آگاه بود. دقیقاً براساس همین دلائل او به ایجاد یک کمیسیون کنترل معتقد بود که فاقد هرگونه قدرت اداری باشد، اما اختیارات شام برای مهارزه علیه بوروکراسی و دفاع از حقوق اعیان حزب در بیان آزادانه عقاید خود و رأی دادن آگاهانه بدون وحشت از مقابله به مثل و انتقام‌جوشی داشته باشد.

طبق تصمیم کنفرانس حزب درزا نوبه ۱۹۲۴:

"در لحظه" کنونی، بک وظیفه" و پیزه و مهم کمیسیونهای کنترل این است که بپرعلیه انتراف بور و کرا تیک دستگاه حزب و آداب آن بجنگد و آن دسته از کارمندان حزبی که از اجرای دمکراطی کارگری در زندگی روزمره، سازمانها و اراضی آزادانه عقايد درگرد هاشمی ها معاف نهاده، اندوام انتخابی بودن را در موادری که از سوی اساسنامه پیش بینی شده محدود ساخته اند، از معنای عملکردشان، آگاه کند.

با وجوداً بین با پدر را پنداشت که خودکمیسیون مرکزی کنترل بدیکارگان صرفاً اداری تبدیل شده است، این کمیسیون به دیگرانگارگانها بیوروگرا تبک، با انجام تنبیهات تلافی جویانه و با آزار و سرکوب هرگونه تفکر مستقل درون حزب، هرگونه ندای انتقاد آمیز، هر نوع زمزمه، ابراز نگرانی در مورد سرنوشت حزب و هر نظر انتقاد آمیز علیه بعضی رهبران حزبی، در اعمال فشار پاری می‌رساند.

طبق معرفه "کنگره" دهم:

"منظور از مکراسی کارگری درون حزب، آنچنان شکلی است که در جهان اجرای سیاست حزب، شرکت فعال
نمای اعضاء حتی عقب مانده تربیت شان، در مباحث و طرح شوالات،
درا رائده راه حل‌ها و مهندسین در ساختمان حزب را تضمین نماید،
دمکراسی کارگری هرگونه سیستم انتیز کردن انتقام‌باز را
مردود نماید و در عوض با گسترش اصل انتظامی بودن تمام تهدادها
درکلیه سطوح از هاشمین تا بالا و با واداشتن این نهادها به حساب
پس دادن و بهبود نظارت و غیره مشخص می‌شود."

نظمی که برواین اصول منکری باشد میتواند حزب را در مقابله تشکیل فراکسیون که
با منافع واقعی برولتاریا سازگاری ندارد حفظ کند، جدا کردن مبارزه علیه فراکسیونها
از مسئله نظام موجود حزب منشاء یک تعریف بنیادی در تعیین اقداماتی است که باید
انجام شوند و موجدهای انتخابات بیوروگرا تبک و متعاقبها ایجاد فراکسیونهاست.

قطعنا مه ۵ دسامبر ۱۹۴۲ که به اتفاق آراء تصویب شد برواین نظر بود که بیوروگراتیم
بالفوایز ای تفاوت و ارزیابی، هما سرکوب و نابودی انتقاد بطور اجتناب ناپذیر فعالیت
مادق را بحرکت در سیر انزوا و با تشکیل فراکسیون میکشاند. رویدادهای اخیر، بیویزه
ماجرای رفقا لاثویج^{۵۰}، بیلندیکی^{۵۱}، چرنیکف وغیره...، کاملاً صحت این نظر را به ثبت
می‌رسانند. عنوان کردن این ماجرای اثباته نتایج بدخواهی یک فرد و یک گروه
در قبال حزب، یک جنایت نا آیا هانه و کورکورانه خواهد بود. در حقیقت ما نا هدنتیجه،
آنکار و تردیدنا پذیر روش‌های رسمی ای هستیم که در اثر آن تنها میشود در با لاسخن گفت، در
باشیں فقط به تنها شی فکر کردن و پنهان کردن عقاید خود ممکن است. آنکه را اخی
نمی‌ستند، آنکه موافق نمی‌ستند، آنکه مردند از رساندن صدایشان در جلسات حزبی،
وحتی دارند. توده حزبی جز سخنرانی مقامات برآسانهان گلیشه‌های ابدی، چیز
دیگری نمی‌شوند. پیشوندها از هم‌منی گسلندوا عتماد در رهبری کا هن میباشد. روحیه
"رسمی" وسی تفاوتی ناشی از آن، ناگزی بر می‌ریجسات حزبی حکم فرماست. در زمان رای گیری،
عمدها یک اقلیت نا چیزیانی می‌مانند. شرکت‌کنندگان برای فرار از اجبار رای دادن به
تصمیمات از قبل دیکته شده، جلسات را زودتر از موقع ترک می‌کنند. نمای قطعنامه‌ها
همشده در هم‌جا ماتفاق آراء به تصویب می‌رسند، اینها تعاون انتکاس در دنگی دوزندگی
داخلی حزب دارند، اعفاء از این از عزیز ترین نظرات خود، تمايلات و درخواست‌ها پیشان

با صدای بلند و حست دارند. این است علت "ما جرا" لشیع و دیگران . . .

۲ - علم رشد سوروگراتیسم

کاملاً آشکار است که بدرجهای که پیشگام طبقهٔ کارگری است مراکز رهبری را از آن خود ندانند این مراکز در اجرای تعمیمات خود طبق روش‌های دمکراتیک حزب با مشکلات بسیاری روبرو می‌شوند.

اختلاف میان رهبری سیاست اقتصادی و احساسات و افکار پیشروان برولتاویا، نیاز به یک هدایت کرده و بدکل سیاست خلیقی اداری و بوروکراتیک می‌باشد.

هر توضیح دیگری درباره "رشدبور و کراتیسم" تنها بر نکات شانوی دست ممکندا رده عمق سلطه را نمی شکافد. پیشرفت ناکافی صفت در مقایسه با پیشرفت عمومی اقتصاد کشور معرف کا هشی در منفود برولتا ریا درجا مده علیرغم افزایش تعداد کارگران میباشد. بدليل اشارات این توسعه، ناکافی در اقتصاد روستا و روند سریع کولاك ها، نقش کارگران روستا و دهستانان فقیر همراه با اعتماد آنان به حکومت و خودشان تخفیف میباشد. افزایش ناکافی دستمزدها در مقایسه با بالارفتن سطح زندگی عناصر غیربرولتر در شهرها و نژروتمدن آن روستا اطمینان سیاسی و فرهنگی برولتا ریا را نسبت به طبقه "حاکم" بودن خود، تقلیل میدهد. عقب نشینی آشکار کارگران روستا و دهستانان فقیر از فعالیت در انتخابات شوراها از همینجا ناشی میشودوا این جدی ترین اخطار برای حزب ما محض میگردد.

۳ - مسئله دستمزدها

در جریان ماههای اخیر، این‌گهه تضمین شبات دستوردهای واقعی در دوره «مشکلات اقتصادی با استفاده از تمام امکانات تحت عنوان عواقب اقتصادی ساخته و سرکوب می‌شد. در حالیکه، طرح این مسئله استدایی تربیت وظیفه حکومت کارگری است. توده» برولتاریا - در هسته «شعبین کنندۀ خود» بداندازه، کافی پختگی درک آنچه ممکن است و آنچه که غیرعملی است را دارد، با وجوداًین وقتی هر روز مشتهدکه ما از نظر اقتصادی به شرفت می‌کنیم که پیروزی سوسیالیسم از قبل تضمین شده است که تعاون انتخادات در مورد رهبری اقتصادی ما بربدبینی و بزدلی وغیره... ممکن است، کارگران نمیتوانند درک کنندکه چگونه خوش بینی رسمی درباره «جهنم‌اندازهای آینده» و بدبینی درباره «دستوردها، نمیتوانند درگذشتگنا و هم‌قراء را گیرند.

برای توده‌ها سخن‌آشی متابداهی ناگزیر نادرست بمنظور می‌باشد. این سخنان موجب ازبین رفتن اعتمادنسبت به منابع رسمی می‌شود و نگرانی سنجشی را پدید می‌آورد. بدگمانی شدت به جملات رسمی، گزارشات و رأی‌گیری‌ها، در فعالیت‌های کاملاً منضبط گرامشی به مطلع شدن از کانال غیررسمی اینجا دمیکند و اطلاعاتی که اینچنین بدست آید توده‌کارگر را متوجه می‌نمایند. در اینجا خطری بسیار بزرگ تهافت است. اما ضربه رانده بر

عوا رض بیماری بلکه با بد بیو ریشه های آن بوبیزه در برخورد بور و کواسی به دستمزدها وارد آورده، رد پیشنهاد به حق تضمین شبات دستمزدهای واقعی از طرف "کمیته مرکزی آوریل" اختهای آشکار بود که در روابطی به کاهن دستمزدها انجامید.

اعمال شدن مالیات کشاورزی بر بخشی از دستمزدها بر تضییقات افزود. تأثیر این واقعیات بر زندگی روزمره، ها کار بست نادرست نظام مرفه جوشی تشدید گردید و وضعیت روحی کارگران تیز از همین رو بود ترند. مبارزه برای در اختیار گرفتن محتاطانه تر و آگاهانه تر در آمدهای دولتشی - که فی النفس کا ملا ضروری است - به اینجا دیگ فشار مکانیکی از بالا برپا شین منجر شد که در انتها بر کارگران و بوبیزه کم در آمد ترین بخش آن که نا مطمئن ترین آینده را دارد، وارد آمد. این فشار شائی از اشتباها ت مظیم مرتب شده در هنگام سازماندهی این مبارزه و عدم کنترل کارگری و دهقانی بر چکونگی پنهان شد این مبارزه بود.

ابن خطای سگانه در عرصه های دستمزدها، مالیات کشاورزی و نظام مرفه جوشی باید قاطعاً نه و بدون تأخیر اصلاح گردد. میباشد از هم اکنون مقدمات اعطای یک افزایش دستمزد در پاکیزه افراد آورده و این را از کسانی آغاز کرده که نادارند. با توجه به دوست افتخار دو بودجه ما، علی‌برغم تمامی مشکلات حاضر و آتی این امر کا ملا امکان نباید برآست. اما افده براین، دقیقاً برای فائق آمدن براین مشکلات قبل از همه ضروری است که اینکیزه، فعالانه توده کارگر در مشارکه افرادیش تولید منابع دولتی برآ نگیخته شود.

هر سیاست دیگری، فقط از جنبه سیاسی بلکه همینطور از جنبه اقتصادی به درجه اولی بک سیاست گوته نظر آن خواهد بود.

بنابراین غیر ممکن است خطا شی بزرگ را تشخیص ندهیم؛ امتناع کمیته مرکزی ژوئیه از در دستور فراز دادن مسئله موقعیت عمومی کارگران و اراده دستور العملهای دقیق در مورد مسئله "نوق العاده" مهم خانه سازی برای کارگران.

۴ - مسئله منعی کردن

سال اخیر بطور واضح تناگر عقب ماندگی پیشرفت منابع دولتی نسبت به پیشرفت مجموعه اقتصاد کشور است. برداشت جدید محصول با ردیگر موجب غافلگیری ما، که فاقد ذخیره کالا هستیم، میشود.

به حال، پیش روی به سوی سوپایالیسم تنها در صورتی تضمین میشود که پیشرفت صنعتی از پیشرفت کل اقتصاد، عقب نماند. بلکه از آن سبقت گیرد. و این بموازات نزدیک شدن منظم اقتصاد کشور به سطح تکنیک پیشرفت شرین کشورهای سرمایه داری صورت گیرد. همه چیز با بدتحت الشیاع این وظیفه که چه برای برولتاریا و چه برای دهقانان خیانتی است، قرار گیرد. تنها در صورت پیشرفت کاملی فدرت صنعتی است که میتواند در آن واحد، با لارفتن دستمزدها و پا شین آمدن قیمت کالاها در روتا را تضمین نمود.

امقا نه خواهد بود که هر روزهای نسبتاً وسیعی را برای متهازات خارجی بنا کنیم، که نه تنها جایگاهی سلط بلکه حتی جایگاه مهندسی را هم نسبتوانیم به آنها بدهیم، می‌آنکه به خلعت سویا لیستی صفت مان مددم بخوبیم. مثلاً عبارت از بکار رساندن یک سیاست صحیح مالیاتی، قیمت‌گذاری، اعضا رات وغیره، جهت استقرار آنچنان توزیعی از انتباشت در شهرها و روستاها - که بتوانند بر عدم تناسب میان صفت و کشاورزی باشند.

اگر بخش شرکتمند روسانی نداشت غله، سال قبل را تابهای وسزد خود نگه دارد و بدین
ترتیب حدرات و همین طور واردات را تقلیل داده، بیکاری را افزایش دهد و قیمت
خرده فروشی را بالا ببرد، همه آینهای شانگران است که سیاست مالیاتی و اقتصادی گه
چنین برخورده را در قبال کارگران و دهقانان ممکن می‌سازد، نادرست است. بک سیاست
صحیح مالیاتی بموازات بک سیاست صحیح قیمت‌گذاری، از مهمترین اجزای بک رهبری
رسانید، اقتصاد در شرایط کثیف، میباشد.

مدها میلیون روبلی که در اقشار بمالی روستاها، اینها شته و متعرکز شده از هم اگذرون از راه ربا و تنزیل در خدمت فشار و ظلم برده هفたان فقیر قرار دارد، تا کنون بهش از بیک میلیارد روبل در دست تجار، واسطه ها و سوداگران اندوخته شده است. لازم است که از طریق بیک فشار مالیاتی قویتر، بخش قابل ملاحظه ای از این درآمدها را به تقدیمه منع نماید، به تقویت اعتبارات کشاورزی، به عما بست ازده هفたان فقیر و کمک به آنان در تهیه ماشین آلات و ابزار مورد لزومشان با شرابطی و پیزه، اختصاص داد. اتحاد کارگران و دهستان در شرایط کنونی قبل از هر جزئیه مسئله، صنعت، کردن مربوط نمی شود.

با این حال، حزب بانگراپی شاهداین است که معرفه «کنگره»، «چهاردهم دریاچه»، منعشی کردن به فرا موشی شهرده میشود. به همین ترتیب بود که «کلیه» قطعنامه‌ای مربوط به دمکراسی درون حزبی اتفاق شدند.

برای این مسئله، پایه‌ای که مرگ وزندگی انقلاب اکتبرپادان بستگی دارد حزب
جمهوری اسلامی و نمیخواهد مطابق دستورالعمل های رسمی عمل کند که غالباً تبریزیان منافع
آرمانی که برای سازمان نیازهای سوارزه، فراکسیونی دیگته شده‌اند، حزب میخواهد بداند،
تا مل کند، تشخیص دهد و تصمیم بگیرد. نظام کنونی مانع از این است. اینست آنچه که
به گردش افتادن مخفیانه مدارک حزبی، "ماجرای لاثرووج" وغیره را توفیح میدهد.

۵ - خط مشی سیاسی در روزنامه ها

دورا بطمها مائل سیاست ارضی، خطرامتبازات اعطای شده به شروتندا نبیش از بیش نهاده بگردد. علنا ندادهای بانفوذی بطرفداری از تغیرجهت تعاونی های کشاورزی بطرف دهقانان میانه حال "قوی"، سری ماندن پس اندازهای کولاک ها، به معرفی حراج قراردادن املاک اراضی ضروری مفروضیتی که تا در بهاداری دین خود نبیستند. بعضی دهقانان فقیر شنیده میشود. وحدت با دهقانان میانه حال باشدت فرایندهای بعیک سمت گیری درجهت دهقانان میانه حال - مرفهی شبدیل میشود که غالبا برادر کوهک

کولاکها است.

از مهمترین وظایف حکومت سوسیا لیستی، خارج کردن دهقانان فقیر از موقعیت سی سرانجام مثان با استفاده از تعاونی هاست. ناکافی بودن درآمد او اجازه متحقق ساختن تفہیرات ناگهانی را نمیدهدند، ولی اجازه این واهم نمیدهد که چشم ها در برآ بر وضعت واقعی بسته شود، مفسد دهقانان فقیر از افکار تسلیم طلبانه پرسود و بر عکس کولاکها تشویق گردند. اقدامات این چنینی که روز بروز در حزب ما به شتر جریان پهدا میکند، تهدیدی مستند به ایجاد دره عمیقی میان ما و تکیه کاراصلی مان در روستا؛ دهقانان فقیر.

تنها در صورت وجودیک را بدهه نا بودنشدنی میان برولتاریا و دهقانان فقیر است که وحدت مشترک آنها با دهقانان میانه حال بطور معمولانه، یعنی بعنوانی که رهبری آن متعلق به طبقه کارگر باشد، مسکن میشود. با این حال این یک واقعیت است که تضمیمات کمیته مرکزی اکتبر درباره "تشکل دهقانان فقیر" از سوی سازمانهای محلی تقریبا هنوز به مرحله اجرا در نیا مده است. این یک واقعیت است که نزد مقامات با لای اداری، گراپش به این امر متأذده میشود که تنها مکان کمونیستها و دهقانان فقیر که بخشی از کارهای تعاونی های ورزی را تشکیل میدهند، را با دهقانان میانه حال "قوی" جایگزین کند. به بیانه "وحدت میان دهقانان فقیر و میانه حال، ما غالبا شاهد تابعیت سیاسی دهقانان فقیر از دهقانان میانه حال و بواسطه اینان از کولاکها میباشیم.

۶ - انحراف بوروکراتیک حکومت کارگری

شمارکارگران منابع دولتی هنوز به دو میلیون هم نرسیده است. که با افزودن تعداد کارگران حمل و نقل به آن رقمی کمتر از سه میلیون بدهست میآید. کارمندان شوراها، سندیکاها، تعاونیها و دیگر موسسات مطمئناً کمتر از این تعداد نمیباشند. این مذاقه خود به تنها شناختگری نقش عظیم بوروکراسی، چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی است. کاملاً عیان است که دستگاه حکومت از نظر ترکیب اجتماعی و سطح زندگی آنان، در بخش بسیار بزرگ آن، سورزوا و خرد بورزوا است و متمایل است که از برولتاریا و دهقانان فقیر دور نشود و از بکطرف به روشنگران منزوی و از طرف دیگر به کارفرماهان، افشار ممتاز، تجار، کولاکها و بورزوا های جدید نزدیک گردد. لین به دفعات به انحرافات بوروکراتیک دستگاه حکومتی و ضرورت اینکه سندیکاها غالباً از کارگران در مقابل آن دفاع کنند اشاره کرد. اما دقیقاً در همین عرصه است که بوروکرا نهایی حزب به خطرناک ترس و وجهی به بیهاری فربنکاری مبتلا شده است.

این مسئله بوبیزه در بعثهای مولوتوف^{۵۲} در چهاردهمین کنفرانس مسکوی حزب بطور برجسته ای عیان است. (پراودا - ۱۳ دسامبر ۱۹۴۵) او گفته است: "حکومت ما، یک حکومت کارگری است... اما به ما فرمول جدیدی عرضه نمیشود که بر طبق آن درست تراست اگر بگوییم که "با بد طبقه" کارگران به حکومت نزدیکتر ساخت." چطور؟ ما می باید وظیفه

نژدیک کردن کارگران به حکومت مان را دربرابر خود فرازدهم؟ ولی مگر حکومت مان چگونه است؟ متعلق به چه کسی است؟ متعلق به کارگران نبست؟ آیا حکومت پرولتاریا نبست؟ در این صورت چگونه میتوان کارگران را به حکومت نژدیک کرد، به عبارت دیگر چگونه میتوان کارگران را به خودشان به طبقه کارگر در قدرت که رهبر حکومت است نژدیک کرد؟“^{۱۰}

این سخنان حیرت آور تفی وظیفه پیشا هنگ پرولتاری سرای به تعبیر است در آورد ن واقعی دستگاه حکومت، از نقطه نظر ایدئولوژیک و سیاسی است. چه تفاوت فاصله میان این بروخورد و نقطه نظرات لذین وجود دارد که در آخرين مقاالت شنیده است که دستگاه حکومتی مان تنها کسی در بالا تقویت شده و از تمام جنبه های دیگر قدیمی ترین وجوه نظام اداری که هنر را حفظ کرده است. طبیعی است که مبارزه ای واقعی وجودی علیه بوروکراسی، مبارزه ای مؤثر و نصراف موری در وضعیت کنونی همچون بک مانع بک کشمکش نادرست و بک روحیه فراکسیونی بمنظربیا بود.

۴ - انحرافات بوروکراتیک در دستگاه حزب

در سال ۱۹۴۰ کنفرانس حزب به رهبری لذین این را غیرقابل قبول اعلام کرد که ارگانهای حزبی و با بعضی از رفقاء هنگام بسیج کمونیستها دلالتی بجز انگیزه های آرمانی داشته باشد. هر فنا روی که بر رفقاء بدلیل اختلاف نظرشان با نظرات رسمی، در سورده رستله ای که میخواهد باشد، اعمال میگردد غیرقابل تحمل است. تمامی پرانتیک کنونی داشتاین تصمیم را نقض میکند. اطاعت و فرمانت برداشتی از شخصیت های متند دستگاه، جانشین اتفاقاً واقعی شده و آنرا متزلزل ساخته است. رفاقتی که حزب میتواند با اطمینان کامل در روزهای سخت بدانان تکیه نماید، به تعداد هر چهار شتری کنار گذاشته شده، تبعید شده و تحت آزار و اذیت قرار گرفته اند. و غالباً توسط اشخاص گذرا و آزمایش نشده، جایگزین شده، اندکه تنها وجود تمايز شان اطاعت منفلانده است.

اینها خطاهای عظیم نظام درونی حزب میباشد که رفقاء لاشویج و بیلنکی را که طی مدتی بیش از بیست سال بعنوان اعضا شی منضبط و فدا کار شناخته شده اند، به جای گاء متمهمین می نشانند. کیفرخواست اراده شده علیه آنها کیفرخواستی است علیه انحرافات بوروکراتیک دستگاه حزب.

اهمیت بک دستگاه متصرکزوتویا متعدد رای بک حزب بلشویک نیازی به تأکید شدن ندارد. وقوع انقلاب پرولتاری بدون وجود چنین داربستی امکان ناپذیر خواهد بود. ترکیب اکثریت حزب را فعالین فدا کار و مادقی تشکیل میدهند که انگیزه ای جز مبارزه طبقه کارگر ندارند. در صورت وجود بک نظام حزبی طبیعی واستفاده معمول از توانایی ها، چنین فعالیتی میتواند به اجرای دمکراسی درون حزب، سودمندانه کمک نمایند.

۸ - بوروکراطیم و زندگی روزمره^۱ توده‌های کارگر

بوروکراطیم به کارگران در درون حزب، در اقتصاد و در زندگی روزمره و در عرصه فرهنگ بپیرامانه مضر بود. بدون شک ترکیب اجتماعی حزب در جریان سالهای اخیر بهبودها فته است اما کاملاً آشکار شده است که افزایش تعداد کارگران حتی اگر هم اکنون در کارخانه‌ها بر سر کار باشد. به تنها شی حزب را در مقابل این اعلافات بوروکراطیک و دیگر خطرها محافظت نمی‌کند. در واقع ناشیرا عفه ساده، با وجود نظام کنونی بسیار ضعیف و غالباً مضر است.

اثرات نظام بوروکراطیک بر جوانان کارگر و دهقانان در دنیاک تراست. در شرایط نب، دست پا بهی به بیلشیم برای این جوانان که مبارزه طبقات و ادردوره‌های پیشین نمی‌شناشد، جزاً طرق تلاش برای تفکر، نقد و ارزیابی مستقل امکان نہذیر نیست. لذین با رها توصیه می‌کرد که در رابطه با پرسوه^۲ شکل‌گیری ایده‌های جوانان، بطور ویژه‌ای جانب دقت و احتیاط گرفته شود.

بر عکس، بوروکراطیم در راه پیشرفت جوانان معاشرت ایجاد می‌کند، تردیدها را مردود می‌شمارد، انتقاد را ریشه‌کن می‌کند و بدین ترتیب از بکوشتم بدبینی و ناامیدی واژسوی دیگر تازه بدوران رسیدگی^۳ را انتشا رمیدهد. بوروکراطیم در راس [سازمان] جوانان کمونیست رشد فوق العاده‌ای پا فته و تعدادی از جوانان بوروکرات و پیغامبر را در سطح اول قرار داده است. بدین جهت است که در درون کارهای جوانان کمونیست، عنای پرولتری، کارگران روزمزد دهقانان غیربروز روز جای خود را به روشنگران و خود را بورزوایی می‌دهند که امکان تطبیق بیشتری با مدیریت ادارات را دارند ولی هر چه بیشتر از توده^۴ کارگران و دهقانان دور می‌گردند. جهت تأثیر رهبری مناسب پرولتری بر جوانان کمونیست، میباشد به آن، همچون حزب، تکان موثری بسوی دمکراتیک شدن داد، یعنی بطرف برقراری آنچنان شرایطی که به جوانان اجازه کار، تفکر، انتقاد، و تضمیم‌گیری و بدین ترتیب کسب پیشگی انقلابی تعبت رهبری مراقبت آمیز حزب را بددهد. نظام بوروکراطیک همچون زنگاری در زندگی کارخانجات و کارگاران را می‌گستراند. اعضا، حزب از حق انتقاد از کمیته‌های ناحیه‌ای، شهری و کشوری و حتی از مسئولیت‌مندان سلاوا سطه^۵ خود در کارخانه‌ها محروم می‌باشند. فعالیت در وحشت بسرمی‌برند. یک مدیر دوران دیش که بتواند حماست دیگر از کار مافوق را جلب کند، با این کار خود را از گزند هرگونه انتقاد از پاشین مصون خواهد داشت و غالباً نیازی به این نفعاً هدداشت کرد در برای سرمدیریت بدش و یا سه استفاده اش از قدرت پا سخکوب است.

در کشوری که اقتصاد سوسایلیستی بنا می‌شود، شرط اساسی کاربرداقت صادی در آمدهای ملی، وجود کنترل و نظارت توده‌ها و بورزویکارگران کارخانجات و فاکتوریکهاست. تا زمانی که کارگران، از وحشت قرار گرفتن در مافوق ایجاد می‌شون و در میان "مالکین" و "مزاحمین" و مواجهه با خطر اخراج از حوزه و حتی از کارخانه خود، نتوانند با افسای

مقربین ملیه سو استفاده ها و بی نظمی ها دخالت علمی کنند مها رزه برای صرفه جویی همچون مها رزه برای افزایش بار آوری کاربیطور اجتناب نا پذیری به ورطه بور و کراتیسم طروخوا هدفت و به دفعات منافع هیاتی کارگران را لکمال خواهد نمود. این دفیفا چهیزی است که امروزه مشاهده می شود.

برقراری نامه هر آن وسیل انگارانه تعرفه ها و معابر های^{۵۶} تولید که بپرخانه به کارگران صدمه می زند، در نه مورد ازده مورد نتیجه، سامانه های است که کارمندان در برآ برخیازمندی های ابتدایی کارگران و خود تولید از خودنشان می دهند. به اینها با چند مثال^{۵۷} تأثیر در پرداخت دستمزدها را نیز از افاده نمود یعنی فرعی کردن مثلهای که با پدموضع بیشترین نگرانی ماباشد.

مثالهای که ولخرجی دوایر رهبری نامیده می شود نیزه متنوعیت کلیه انتفادات مربوط است. بخشنده های زیادی علیه این ولخرجی نوشته شده اند و گمیسون گنترول در مقابل مسائل زیادی از این قبیل فرار دارد. توده های این مها رزه بور و کرا تسک علیه تجمل بدگماند. در این زمینه، هیچ راه حل دیگری وجود ندارد جزا اینکه توده ها از گفتن آنچه فکر می کنند نظر سند.

در کجا این مسائل داغ مورد بحث قرار می گیرند؟ نه در جلسات رسمی حزب، بلکه در گوش و گناه، مخفیانه و همیشه با وحشت. این شرایط غیرقابل تحمل اند که "ساجرای" لاشوچ و دیگران را بوجود آورده اند. نتیجه اساسی که باید از این "ما جرا" گرفت این است که مهباشد این شرایط را تغییر داد.

۹ - مها رزه برای ملح

پیشرفت نهضت انقلابی جهانی بهترین برهمیستگی برادرانه کارگران تضمین امنی تها میت اتحاد شوروی و امکان نهادنی بک تحول سوسالیستی ملح آمیز برای ما است. اما با این حال اشتباهی خطرناک خواهد بود اگر این امنیت داری در میان توده کارگران اشاعده شود که سوسال - دمکراتها، یا آمریکا می ها^{۵۸} بورژوای معمومی شریدنیونیو شوا که در رأس آن توماس^{۵۹} و بورسل^{۶۰} قرار دارند، آن دهانه که بر علیه امیریالیسم و مداخلات نظامی اش مها رزه کنند. و با اینکه اصولا چنین قابلیتی را دارند. سازشکاران انگلیسی که به کارگران خود طی اعتراض عمومی خیانت نفرت انگلیسی کردند و در حال حاضر نیز می شرمانند بپرولتا ریای انگلستان و همراه با آن به شوروی و به آرمان ملح خیانت خواهند کرد. لئنین در توصیه های قابل شوجه به هیئت نمایندگی ما در لاهه بیان کرد که افشاری بپرخانه اپورتونیستها در مقابل توده ها، دست بسوژوازی را در غافلگیری کارگران هنگام مباردت به جنگی جدید خواهد بود. او نوشت که بورژوای و دنیزی را بیچاره با سیاست های آمریکا میم است. نظریه ای که بر اساس آن آنها خدجنگند ولی نمی فهمند که جنگ میتواند درست در لحظه ای غیرقا سهل انتظار

دا منکر شان شود. و بستدریج اگرچه به میزان ناچیزی درک می‌گذرد که چگونه با پدمای جنگ مها روزه کرد. وابین ظرفیت را دارند که اقدامات منطقی لازم بر علیه جنگ را که به نسل به هدف یاری می‌رساند انجام دهند.

لنهن بوبزه توجه حزب را بدین مثله جلب میکرد که محتوای بحثهای پیشتر کمونیستها درباره "مبارزه خدجنگ نادرت و فرق العاده فیر مستولانه بوده است" ، او میتوید "بنظر من میباشد بدور علیه بیانیه هاشی از این دست، بوبزه آنها شی که بعد از جنگ نوشته شده اند به داخلت و مبارزه ای بپرها نه دست زدن و بسندگانشان را به هم شناسند. میتوان در حد مطلوب و بخصوص در صورت لزوم، در ارزیابی و تقاضا و ت در مورد دفلان یا بهمان ناطق تخفیف داد، اما نمی باشد حتی در یک مورد از چنین مواردی سکوت اختیار شود زیرا استخاذ برخوردي غیرمستولانه و از روی لاقیدی در برآبران مثله، شری است که بر همه بدی های دیگر می چربد، در برآبران مثله بسیج وجه من الوجوه نمیتوان گذشت که با بدایزنا بن سخنان لنهن را به وجود ان حزب خودها ن و تمامی برولتاریا جهانی با دآوری کنیم. با پدیده شوی که همه بشنوند اعلام کردگه تو مان طبق ما کدونالدها^{۵۴} و بورسلها همانقدرها در به جلوگیری از خشونت امپریالیستی هستند که دانها^{۵۵} و کرسکی ها^{۵۶} در توقف قرار یافته اند، موفق بودند.

پک شرط اساسی دلایع از اتحاد جما هیرشوروی سوسیالیستی و به طبع آن حظظ ملیح، وجود پهوندزوال ناپذیر میان ارتش سرخ که رشد میکند و تقویت میشود از بکس و توده های کارگر کشورمان وجهان از سوی دیگران است. تمامی اقدامات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی که نقش طبقه کارگر در حکومت را افزایش دهد، پهوندش را با دهقانان فقیر و دهستانان میانه ها تقویت کند، موجب تحریم ارتش سرخ تضمین تمامیت کنورشورها و استحکام آرمان ملیح میشود.

۱۰ - اینترنا سیونال کمودیت

صلاح سیاست طبقاتی حزب، اصلاح سیاست بین‌المللی آن است. با بدکلیه' نتایج منکوگ این برداشت نواظهوری را که به روزی ساختمان سوسالیسم در کشور ما را از رابطه' تنگ ترکش با افت و خیز و نتایج مبارزه' برولتاریا اروپا و جهان برای تعاون فدرات جدا نمیکند بدورة نداشت. سوسالیسم را می‌سازیم و ملوانیم ساخت. برولتاریا اروپا برای قدرت خواهد چنگید. خلقها را مستعمرات در راه استقلال مبارزه نمیکنند. این چیزهای مشترک است. هرگرداں در بخش خود میباشد حد اکثر فعالیتش را بدون انتظار پیشقدم شدن دیگران بخواهد. در ارتباط خدته ناپذیر بانهفت انقلابی برولتاریا اروپا و جهان و به افتخار مبارزه' شرق علمیه بوغ امیریا لیستی است که سوسالیسم در کشور ما پیروز خواهد شد.

متگیری سیاست انترنا سیونال کمونیست و نظام درونی آن بنویه "خود در را بپنه،
بنگاهی با حزب ما فراز دارد؛ عزیزی که حزب رهبری گفته" انترنا سیونال بوده و بود.

کلیه، حركات درون حزب ما، بی کم و کاست درسا پر بخشای انترنا سیونال منعکس میگردد . بنا بر این ضروری است که چون بلشویک های واقعی رفتار خود را از نقطه نظر بین المللی موره ارزیابی فرازدهم، کنگره، چهاردهم ضروری میدانست که احزاب دیگر با استقلال بینتری در رهبری انترنا سیونال کمونیست مشارکت کنند، با اینحال این قطعنامه هم مانند دیگر مصوبات بزرگی کا غذمانده وابن اتفاقی نیست . تنها در صورت وجود یک نظام طبیعی در درون حزب ماست که مسائل مهم درون کمونیستون از کانالهای سیاسی و اداری روش و طبیعی های سخن داده میشوند . فیصله دادن مکانیکی به مسائل موردنیت، بیش از پیش پیوستگی میان احزاب کمونیست و روابط تنگاشان را تضییف میکند . بروه است که مصائب به فرارهای تثبیت شده از میان که درستی شان طی دوران حیات او آزمایش شده، بنا زگردیدم .

۱۱ - فراکمیون ها

علی دو سال قبل از کنگره، چهاردهم، یک گروه فراکمیونی هفت نفره^{۶۱} شامل شش عضو دفترسما سی و رفیق کوئیبیجف^{۶۲} مدرکمیون مرکزی کنترل وجود داشت . این کمیته فراکمیونی، بدون اطلاع حزب و مخفیانه کلیه، مسائل در دستور روز دفترسما سی و کمیته مرکزی را حل و فصل شموده و خود بدون در جریان فرارهای داده دادن کمیته مرکزی به محل یکسری مسائل میبرداخت و بدھمین نحوه فراکمیونی، افراد را در اختیار خود فرار میداد و بین اعضاء خودش از طریق انتخابات درونی فراکمیون، انتخابات برقرار میکرد . و فرانسوا ساروسلاوسکی^{۶۳}، بانسون^{۶۴} وغیره، که بپرها نه علمه فراکمیونها و دسته بندی ها مبارزه میکنند [خود] در کارهای "کروه هفت نفره" در کنار کوئیبیجف شرکت میگردند .

بعد از کنگره، چهاردهم، یک فراکمیون رهبری مذاهی چون وهرابه حیات خود را داده دارد، در مسکو، لینینگراد، خارکوف و در دیگر مراکز بزرگ، جلساتی مخفی توسط بخشی از رده های بالای دستگاه، علیور فرم اینکه نما می دستگاه رسمی در دستشان بود برگزار میگردد . این جلسات مخفی که برآسان لیست های مخصوصی فراخوانده میشوند مجا مع واقعی فراکمیونها میباشد . در آنجا اسناد محرمانه مطابق میشوند که معرف سخن گفتن از آنها موجب اخراج و استگان فراکمیون مزبور از حزب میشود .

یقینا گفتن اینکه یک اکثریت نمیتواند بستاید، یک فراکمیون در نظر گرفته شود، بی معناست . تفسیر و اجرای مصوبات کنگره ها میباشد در حیطه اختیار ارگانهای حزبی باشوند اینکه کلیه مسائل توسط فراکمیون رهبری کننده در راه هروهای موسات معمولی از پیش حل و پلمل شود . در درون فراکمیون رهبری کننده، افلامین برایمن عقیده است که انتخابات فراکمیون بر انتخابات حزبی مقدم است . کل این مکانیسم فراکمیونی موظف است که از تغییر ترکیب فراکمیون وسیاست دستگاه مطابق مقررات عادی اساسنامه ای جلوگیری نماید . هر روز، این فراکمیون مشکل بیش از پیش وحدت حزب را تهدید میکند . نارفا بستی عمیق و ملموس بر علمیه نظام درون حزبی مستقر شده بس از مرگ لغین، نارفا بستی

بیشتر این را زندگانی در قبال انحرافات سیاست می‌داند، بطوراً جتناب ناپذیری موجب مداخله، ایوزبیون و درگیری می‌داند. با این حال، گروه رهبری بجای درس‌گیری از اقدامات در دنیا ک جدید و اصلاح خط در پیش گرفته‌اش، بطور مستعانتک خطاها می‌پرسانند. را تعمیق می‌بخشد. دیگر اکنون نمیتوان هیچ شکی داشت که هسته اصلی ایوزبیون ۱۹۴۲، به حق برعلیه خطرات انحراف از خط پرولتری و برعلیه رشد تهدیدآمیز نظام دستگاهی هشدار داد. اعمال فراکسیونی که اکنون در قدرت است این را اثبات می‌کند.

مالفین ۱۹۴۲ که در میانشان دهها و مدها کارگریلشوبیک قدیمی از مبارزان کهنه‌کار حضور داشتند، با تازه‌بودران رسیدگی و چاپلوسی بیکاره بودند و علیرغم تما می‌انجام و استواری که از خودنشان داده‌اند همچنان از فعالیت حزبی بدور نگهداشتند.

سوکوب کارهای اصلی تشکیلات لینینگراد بعد از کنگره^{۶۶} چهاردهم نمیتوانست هشدار عصیانی سرای بهترین کارگران حزب ما، که کارگران کمونیست لینینگراد را بمنزله مجروب ترین کارگران پیشرو تلقی می‌کردند، نباشد. در زمانی که ضرورت مقاومت در برابر کولاک‌های در حال رشد بهتر از هر وقت احساس می‌شد گروه رهبری کنندۀ برعلیه پیشگام کارگران لینینگراد که تنها جرم‌شناختی خطر در مورد کولاک‌ها بود، وارد عمل شدند. صدها تن از بهترین فعالین لینینگراد تبعید شدند. هزاران کارگر کمونیست، متشكل از بهترین عنصر فعال تشکیلات لینینگراد به هر سیله، ممکن از فعالیت حزبی محروم شدند. از این بعد هر فعال آنکه بطور روشنی متوجه می‌شود که این کارگران اساساً از نقطه نظر سیاسی محق بودند. جراحت وارد بودن تشکیلات لینینگراد جزءی از تغییر را دیگر ایجاد فوری نظام درونی حزب نمیتوانست ترمیم شود. اگر مسائل به همین ترتیب ادامه پیدا کنند، شکی نمی‌ست که تنها در مسکو و لینینگراد جزءی از تغییر را دیگر ایجاد کنند، بلکه در سراسر روسیه^{۶۷}، باکو و اورال نیز سرکوب بسیار شدیدتری را انتظار خواهیم کشید. هیچ چیز دیگری جزگر اینکه مقابله با هر نوع ارزیابی بشویکی در مورد خطرات مستگیری گنوی حزب، از طریق "مشویکی" خواندن آن‌مدین و مسح دور شدن از لینین را نشان نمی‌دهد.

با این شیوه، برخورد به مسائل است که استخوان دار ترین رهبران سازمان ایجاد ایدئولوژیک، خود را افشا می‌سازند. مشویم که به اجتناب ناپذیری تحول سرمایه‌داری درشوری اعتقاد دارد، تما می‌محاسبانش را برقطع رابطه، میان طبقه کارگر و حکومت شوروی بنانها دارد، به همین روای سوسیالیست‌های انقلابی (S-R) نیز برقطع رابطه میان حکومت شوروی و دهستانان نیرومند حساب نمی‌کنند.

در واقع مشویم بمنابه عامل بورژوازی، نمیتواند به بیشتر شدن شکاف میان طبقه کارگر و دولت شوروی، هرجندتا چیز، امیدوار نباشد. برای جلوگیری از این امر، می‌باید قبل از هر چیز این شکاف را زمانی که ایجاد نمی‌شود دید و چشم‌هارا مانند بوروکراتها، که حتی ضرورت فعالیت برای شرکت کردن طبقه کارگر، دهستانان فقیر و حکومت شوروی را انکار نمی‌کنند، نمی‌ست.

مشاطه‌گری واقعیت، خوش‌بینی رسمی در مسائل کلی اقتصادی و بدین‌بنی درباره "دستمزدها، تمايل بدندیده گرفتن کولاک‌ها و بدین ترتیب تشویق آنان، توجهنا کافی نسبت به دهانان فقیرها متنه از درس‌گیری از تجربیات آخرین استخارات شوراها، توانی اینها حاکی از تدارک موثر واقعی و نه فقط لفظی است. حاکی از نفوذ منشوبکها و سوسایلیست‌های انقلابی است.

این تصور که پس از نابودی مکانیکی با مطلاع اپوزیسیون ابعاد دمکراسی درون حزب گسترش خواهد یافت، خود فرمی بجزوگی است. حزب، با تکیه بر توانی تجربیات، دیگرفا دو نیت بدین انسان‌ها اعتقاد داشته باشد.

اقدامات مکانیکی سرکوب زمینه "شکافهای جدید، اخراجها و کنارگذاشت‌های جدید و فشار جدیدی بر مجموعه" حزب را اثرا هم نمی‌سازد. این سیاست بنایگزبرورهبری را محدود کرده، "توریته" مدیریت را پا نمین می‌آورد و دویک سیاست دوگانه‌ها سکانه‌های برگردان جای خالی انتوریته" معنوی الزامی می‌کند. حزب می‌باشد به هر قیمتی که شده‌باشد این چهارمین "خط‌نگاه پایان دهد. لشمن شنان دادگاه‌های محکم حزب به معنی فشردن گلوی آن نیست.

۱۲ - پسرای وحدت

شکی در این نیست که حزب قادر است بروکلیه" مشکلات فائق آید. نمیدن راه حل از طریق وحدت، دیوانگی سعن خواهد بود. راه خروج وجود دارد و تنها از این مسیر می‌گذرد. برای پیروزی و رسیدن بدین راه حل، ضروری است که بروخوردی دقیق و مادفانه و پیشوندگی در قبال مسائل مطروحه در پیش گرفته شود. ما مخالفیک بحث "فعلی" و یک بحث شب آن‌لود هستیم. یک مباحثه" تعمیلی از بالا، به قیمت گزافی برای حزب تمام می‌شود. پیشتر اوقات مباحثه بدین شیوه، حزب را سودگیری کرده، کمتر متفا عد می‌گند و آنرا از لعاظ ابدی‌لوزیک چندان تقویت نمی‌نماید.

ما به کمیته مرکزی پیشنهاد می‌کنیم تا از طریق یک تلاش مشترک آنچنان نظامی در حزب از نو مستقر شود که اجازه دهد تمام مسائل درست‌طابق کامل با سن حزب و آرمانها و تفکرات پیشگام برولتري مورد مباحثه و حل و فصل قرار گیرند.

تنها براین پایه است که دمکراسی در درون حزب ممکن می‌گردد. و تنها برای پایه "چنین دمکراسی حزبی است که یک مدیریت سالم جمیع امکان‌های برگردانشود. راه دیگری وجود ندارد. برای مبارزه و فعالیت در این تنها مسیر صحیح بدون قید و شرط از کمیته مرکزی پیش‌بازی می‌کنیم، "ایران باکا" ۶۸ - بهاتاکف - لیستین ۶۹ - ا. او دیف ۷۰ - لاثروپیج - ف. مورالف - ۱. پترسن ۷۱ - ک. سولویف ۷۲ - ج. او دوکموف ۷۳ - زینوروف ۷۴ - کروپسکا ۷۵ - تروتسکی ۷۶ - کا منک ۷۷ -

بیانیه ۸۳ نفو

رفقا!

خطاهای عظیمی که در رهبری انقلاب چین مورث گرفته و تعمال شده‌اند به شکست بزرگی انجامیده‌اند^{۷۸}. تنها با کامپانی در مسیری که لذتیں به مانشان داده‌اند از این وضعیت خارج شد. شرایط بسیارنا متعارفی که طی آن مسائل مربوط به انقلاب چین طرح می‌شوند، ششنجی قوی را در درون حزب بوجود آوردند. میان اینها کمیته مرکزی که در ستونهای "پرا ودا" و "بلشویک" هدایت می‌شوند، تحریف عمومی نقطه نظرات اپوزیسیون می‌باشد (بعضوان مثال؛ ظایحه‌ای خروج حزب کمونیست از کومین‌تاوی^{۷۹} به اپوزیسیون نسبت داده می‌شود). این برخوردن تناقض‌نمایی کروه رهبری کننده، کمیته مرکزی به پنهان کردن اشتباهاتش در پشت یک موج حمله به اپوزیسیون می‌باشد. تمامی اینها شوجه حزب را به سمتی نادرست منحرف می‌کند.

نتیجه‌تا و در رابطه با خط غلط کمیته مرکزی در مسائل اساسی ساست حزب، ما از طریق این بیانیه، کمیته مرکزی حزب را مورد خطاب قرار می‌دهیم.

۱ - مسئله‌تنها این نیست که ما در چین شکست عظیمی را تعمال شده‌ایم، بلکه با بدیده‌گونه و چرا این شکست را خورده‌ایم. با وجود آنکه در چین یک طبقه کارگران را نمی‌تواند حضور داشت، با وجود آنکه پرولتا ریای شانگهای درست ترین شرایط توانسته بود فیام کرده و کنترل شهر را درست بگیرد، با وجود آنکه پرولتا ریای چین از حماست قوی دهستان انقلابی برخوردار بود و بطور خلاصه توانی شرایط لازم برای پیروزی انقلاب ۱۹۰۵ (لئن) مهیا بود، نتیجه‌این شدکه پرولتا ریای چین خود را بین طبیعت و زوازی بخطیر اندانه است. بهمان ترتیب و با اجرای همان نقشی که کارگران طی انقلابات ۱۸۴۸ به اینها محاکوم شده بودند.

تمامی ملزمات برای مسلح کردن کارگران چیزی و در درجه اول کارگران شانگهای و هانکشو آماده بود، ما علی‌رغم این شدکه پرولتا ریای قهرمان شانگهای خود را خلح مسلح شده بیافت. و کارگران هانکشو نیز در شرایط کنونی با وجود آنکه هانکشو در دست کومین‌تاوی "چپ" قرار دارد دیگر مسلح نیستند.

"خط" در پیش گرفته شده در چین بدینصورت تعریف و تفسیر شده است:

نمی باشد کا رگران مسلح پیشند، نمیباشد اعتنایات انقلابی را سازمان مدادیم، نمیباشد دهستان را بطورکامل برعلیه ما خیان زمین برمی انگیختیم، نمیتوانستیم دست به نشر یک روزنامه کمونیستی بروزیم، نمیباشد دست به ایجاد مسلولهای کمونیستی درستان ارتش چپ استفاده نمیکردیم، نمیباشد دست به ایجاد مسلولهای کمونیستی درستان خوده بورزوازی و برای متزلزل نکردن پایه های دولت "بلوک چهار طبقه"^{۸۱}، نمی باشد شعار "شوراهای را به میان میآوردیم. در مقام پاسخگویی و برای تشکر و تقدیر دادن از مسما برای اتخاذ چنین سیاستی است که بورزوازی ملی چین - همانکوئه که انتظارش میرفت - با استفاده از فرصت مناسب، کا رگران چینی را اعدام میکند. وا مروزه از امیری بالیستها زایش فردا از امیریالیست های آمریکاشی و پس فردا از امیری بالیستها انگلیسی تقاضای کمک مینماید.

در رابطه با شکست چین، درون تمامی احزاب کمونیست جهان (همچنین در محافل وسیع حزب کمونیست شوروی) ضرده و شبهه کا ملن حکمفرماست. دیروز به همه گفته میشد که ارتشهای ملی چین در واقعیت امرا رشتهای سرخ، ارتشهای انقلابی اند، که چنانکه یک رهبر انقلابی آنهاست و اینکه امروزه با کم دیوترا فردا، چین در راه تعoul "غیرسر سرمه داری" کام خواهد شد. در حالیکه امروزه با مبارزه برعلیه خط واقعه لنهشی پیشیم، در مقاولات و مباحثت گفته میشود که در چین به وجوده متعاقب وجود ندارد، راه آهن وجود ندارد، که چین دوران ابتدائی فشودالیسم را میگذراند، که چینی ها بیسواند، که در چین طرح برونا میگذارند، دیگنا توری دمکراتیک انقلابی کا رگران و دهستان و به همین ترتیب ایجاد شوراهای بسیار رزو داشت وغیره. شکست چین میتواند نهادهای مستقیمی در آینده شوروی داشته باشد. اگر امیریالیست ها موفق شوند طی مدت زمانی طولانی چین را "مهار" کنند، در آینده بروی ما، بروی اتحاد شوروی گام خواهند شد. شکست انقلاب چین میتواند، بطور عجیبی جنگ علیه اتحاد شوروی را جلو بیندازد. در این مدت حزب ما بعنوان اولین حزب انتربن سیونال کمونیست در برآ بر میشه" چین - که میله اساسی است - از تجزیه و تحلیل عاجز است. در همین حال هم اکنون مباحثات خشونت بسیاری بطور یکجا نبهاز طرف گروه رهبری کننده کمیته مرکزی هدایت میشود. این مباحثات در واقع جز مورد عمله قرار دادن ایوزیسیون جهت پنهان داشتن خطاهای مرتكب شده از طرف گروه رهبری کننده کمیته مرکزی چیز دیگری نیست.

۲ - اعتنای عومی سال گذشته در انگلستان^{۸۲} بدليل خیانت "شورای عمومی" به شکست انجامید. اعتنای با شکست معدنچیان پایان یافت. علیورغم تعاون میلیونها کا رگره چپ و با اینکه خیانت رفمیم و نادرستی اش هرگز تابهاین اندازه که در طول اعتنایات طولانی انگلستان افشا شد، برملا نشده بود، برخفود جناح انقلابی و متشکل جنبش کا رگری انگلیس تعداد کمی افزوده شد. علت اصلی این وضعیت ناشی از رفتار دوگانه، ما و این واقعیت است که رهبری اعمال شده از طرف ما مشحون از تناقضات

و تردیدها بوده است. کمک مالی از طرف کارگران روس برای معدنچیان انگلستان عالی و فوق العاده بود، اما تا کنون کمیته مرکزی در مورد مسئله "کمیته انگلیسی - روس"^{۸۴} کا ملا غلط بود. ما از آن توریته خاشنین "شورای عمومی" در بحرا نی ترین دوره طی هفته ها و ما هم اعتماد عمومی و اعتماد معدنچیان حمایت کردیم. ما به آنها کمک کردیم تا روی پای خودها بستند. ما در آخرین کنفرانس برلن با بررسیت شناختن شورای عمومی بعضوان تنها نماینده برولتاریای انگلستان (و حقیقت تنها نماینده نقطع نظرات او) و متمهد شدن به اصل عدم دخالت در مسائل داخلی جنبش کارگری انگلستان در مقابلشان تسلیم شدیم.

با توجه به وقایع چنین، آخرين تصمیمات کمیته انگلیس - روس خصلتی شوم میباشد. در تماش مطبوعات بین المللی رفیق تو مسکی^{۸۵} و ما بینما بندگان (C.G.T) سراسر روسیه، اعلام کردند که کنفرانس برلن دارای "خلاصی رفیقانه" بوده، که تمامی تصمیمات به "اتفاق آراء" "اتفاق داشده و اینکه این تصمیمات با مطلاع پیروزی برولتاریای جهانی هستند و غیره ...

این دروغ و نادرست است و تنها برولتاریای انگلستان را به شکستهای جدیدی هدایت خواهد کرد.

کنفرانس برلن کمیته انگلیس - روس حتی یک کلمه درباره نقش غارنگرانی، امیریا لیم برمیتا نبا در چنین سخن نگفته و حتی تقاضای خروج سپاهای امیریا لیست را از چنین شنوده است. در زمانی که جنگ مستقیم امیریا لیست ها علیه انقلاب چنین آغاز میشود، کمیته انگلیس - روس همچون یک مجرم سکوت میکند و بدین ترتیب در خدمت سورزاژی انگلیس فرار میگیرد.

آیا میتوان یک لحظه شک کرده که آنکه در مقابل جهانیان آشکارا به منافع برولتاریای انگلیس، در مورد مسئله بسیار مهم چون آزادی جنبش سندیکا شیسی در انگلستان خیانت میکنند، فردا، در صورت وقوع جنگ علیه اتحاد شوروی همان نقش خاشنایه را بازی نخواهند کرد، همچنان که در ۱۹۱۴ چنین کردند؟

میان خط نادرست پیش گرفته شده در چنین وخط نادرست کمیته انگلیس - روس، پیوست درونی تنگاتنگی وجود دارد. همین خط تماشی سیاست انترشا سیونال کمونیست را در می نوردد. در آلمان مدها و مدها برولتراچب و پیشتر و بدلیل ساده همبستگی بسیار اپوزیسیون روس اخراج میشوند. عناصر راست پیش از پیش در تماشی احزاب نفوذ پیدا میکنند. درحالیکه هرگونه انتقاد از طرف چپ به اخراج می انجامد.

انتوریته حزب کمونیست شوروی در خدمت منحرف کردن احزاب کمونیست جهان به است راست خط لشیانی قرار گرفته است. تماشی اینها در مجموع، مانع میشوند که انترشا سیونال کمونیست طبق روش لشیانی مبارزه بر علیه جنگ را تداری دیده و هدایت کنند.

۴ - برای هیچ مارکسیستی جای بحث نمیباشد که خط مشی نا درست اتفاق داشده در چین و در مردم مسئله کمیته انگلیس - روسی امری انتهاقی شیوه است . این خط مشی در سیاست داخلی تداوم سیاست بد و تکمیل میشود .

اقتماد اتحاد شوروی در حالت عمومی دوران بازسازی را به پایان رسانده است . دور طول این دوره پیروزیهای جدی در عرصه ساختمان اقتصادی حاصل شده است . منع ، اقتماد روستائی و دیگر شاخه های اقتماد در حال رسیدن به حد نهایت قبل از چنگ هستند و حتی از آن سبقت میگیرند . (در زمینه اتفاق وی ها موقعيت های مشابهی کسب شده است) . این پیروزیها بهترین دلائل صحت سیاست جدید اقتصادی اعلام شده از طرف لشین است . و بهترین پاسخ به دشمنان انقلاب اکنون میباشد .

کشور دیکتاتوری پرولتا ریا توان اش کامل خود را در فعالیت برای ساختمان سوسیالیسم آشکار ساخته است . او اولین موقعيت های پیش را در این زمینه نشان داده و هم راه سیاست پرولتا ریای دیگر کشورها پیروزی نهادی سوسیالیسم در سراسر جهان را تدارک می بیند . در بیان دوران بازسازی، هر راه با دست آوردهای جدی، شاهد مشکلات عظیمی هستیم . این مشکلات ناشی از ناکافی بودن پیشرفت نیروهای تولیدی و عقب ماندگی اقتصادمان میباشد . پنهان ساختن این مشکلات از تولد های وسیع حزب، آنا نرا تشید و تقویت کرده است . بجای یک تجزیه و تحلیل مارکسیستی از شرایط واقعی دیکتاتوری پرولتا ریا در شوروی، یک تصوری غلط خرد بوروزوایی، "تئوری سوسیالیسم در یک کشور" ، که همچگونه وجه اشتراکی با مارکسیسم ولنینیسم ندارد، برای حزب ارمنیان آورد . میشود .

این عقب نشینی آشکار از مارکسیم باعث میشود که حزب مشکلات بیشتری در مشاهده محتوای طبقای روندهای اقتصادی جا ری داشته باشد .

پدیده های منفی دوران انقلاب که مورد اشاره ماست توسط شرایط دشوار تولد های مردم وصف آرایی طبقات متقاضی پرولتا ریا به پدیده های کنکرت تبدیل شده اند . مسائل دستمزد و بیکاری خلعتی پیش از پیش برآ همیت میباشد . انتخاذ یک سیاست غلط، رشد نیروهای متقاضی با دیکتاتوری پرولتا ریا، کولاکها، نب من ها، بوروکرات ها را تسریع میکند . چنین سیاستی به عدم امکان بکارگیری بايد و شایع مادی موجود در کشور منفع منابع را قتماد دولتی منجر میشود . عقب ماندگی منابع بزرگ درها سخ گوشی به مقتضیات اقتصادی (کمبود کالاها، با لایبودن قیمت ها، بیکاری) و کلیت نظام شوروی (دفاع کشور) به تجدید فوای عنصر کاپیتا لیستی در اقتصاد اتحاد شوروی و بوسیله در روتاها منجر میشود . با لارفتن دستمزدها متوقف شده و حتی گرانیش به پایین آوردن آن در مردم بعضی از گروههای کارگری وجود دارد . بجای سیاستی که قبل و وجود داشت و بر بالا رفتن دستمزدها طبق رشد تولید پا فشاری میکرده در حال حاضر همچون قاعده ای عمومی افزایش دستمزدها تنها به بالارفتن راندمان کارگران مشروط میشوند (و این معنی ها لا بردن شدت کار؛ رجوع کنید به بند ۲ مموبه کنگره شوراها در مردم گزارش رفیق کوشی بیجف) در نتیجه، کارگر روس در شرایط فعلی شمینوا ندبرخلاف گذشت و ضربت

زندگیش را به موازات پیشرفت اقتصادی کثورو-توسیده، تکنیک بیهوذیخشد، بلکه تنها در صورت صرف هرچه بیشتر نیروی غیریکی میتواند به چنین بیهوذی دست یابد. این نخستین بار است که مثاله بدینگونه طرح میشود، در شرایطی که شدت کار بطور عمومی به حد مناسب قبل از جنگ رسیده و در بعضی نقاط از آنهم گذشته است، چنین سیاستی به منافع پرولتا ریا غربه میزند.

بیکاری افزایش می‌یابد. آنهمه فقط با ترک روستاها از جانب عناصر دهقانی، بلکه کا درهای هرولتارهای منعنه نیز از سوی آن تهدید می‌شوند. گسترش ارتش بهکاران بطور کلی وضعیت اقتصادی طبقه کارگر را وحیمتر می‌سازد.

شرایط سکونت کارگران در مناطق مختلفی در اثراها فوجمعیت ماکن در واحدهای سکونی و محدودیت حقوق اجراهه نشینی بدتر میشود.

خطرات فراینده‌ای که از این شرایط ناشی می‌شود آشکار است، زیرا رابطهٔ میان حزب و طبقهٔ کارگر در آیندهٔ حکومت کارگری ما اثربخشی‌کننده‌ای دارد.

کا هش قیمت کا لاهای کارخانجات تنها به مقدار کمی مورت گرفته است. علیرغم رأی موافق اپوزیسیون در پلیسوم فوریه سال جاری بدقتضنا مهای در تائید کا هش قیمت هما تمام تبلیغات رسمی اپوزیسیون را به عدم توافق با کا هش قیمت ها متهم میکند. چنین تبلیغاتی موجب گمرا هی حزب دور شدن توجهش از مسائل اساسی سیاست اقتصادی ما میشود. در حالیکه نارفا بتنی و بی صبری در شهر و در روستا افزایش میباشد، مسئله کا هش قیمت ها به وجود آراین طریق به پوشش نمیبرود.

تفکیک طبقاتی دهقانان با سرفت هرچه بیشتر به پیش میرود. از شعار "نرومند شوید" و دعوت گولاکها به "ا د فام در سوسایلیم"، گروه رهبری کننده "کمیته مرکزی به سکوت در مروره تفکیک طبقاتی دور رستا، به کمپها دادن به آین تفکیک از یکسو توکیه بر دهقانان متمول از سوی دیگر رسیده است. در دهه‌های سالگرد انقلاب اکثیر، اوضاع بدین قرار است: بیش از ۲۰۰ میلیون کارگرکشاورزی نقشی ناچیز در شوراها، تعاوونی‌ها و سلول‌های کمونیستی دارد و توجه و کمک به دهقانان فقیر هنوز ناکافی‌اند. قطعنامه "آخرین کنگره" شوراها در مروره اقتصادکشاورزی کلامی از تفکیک طبقاتی دور رستا بروزبان نصیاورد. بحث‌ارت دیگر کنگره اساسی ترین میثله "توسعه اقتصادی و سیاسی روستارا میکنند. توانی اینها پشتیبانی از ما در رستارا تضمیف نموده و مانع از اتحاد طبقه کارگر و دهقانان فقیر با دهقانان میانه‌حال میگردد. این اتحادها در جریان می‌ازد، هسته‌ای علمیه تماشیات استشمارگرانه "کولاکها میتوانند گسترش پافت و تقویت گردد. نزد ما به رشد کولاک‌ها و نقشی که بعده دارند کمپها داده میشود. این سیاست خطراتی را ایجاد میکند که معکن است بطورناکه‌انی منفجر شوند. با اینحال دستگاه رسمی حزب و شوراها به جهیزیت میزند و بدین ترتیب وسیعاً دروازه‌ها را بروی خطر واقعی طبقاتی که از جانب راست می‌آید، میگشایند.

پیشنهاد معا فیت ۵۵٪ از خانوارهای روستائی، یعنی دهه‌های فقر و کم درآمد، باز

مالیات کشاورزی با گیرنده توزی محاکوم نمیشود، اگرچه شرایط سماوی و اقتصادی روستا آنرا کاملاً ناپذیر میکند. چندده میلیون روبل در مقابل یک بودجه، پنج میلیاردی از اهمیت ناچیزی برخوردار است، درحالیکه اخذایین مبلغ از خانوارهای روستائی کم درآمد معنای تسریع تکمیل طبقاتی در روستا و تغییر مواضع دیکتا شوری برولتاواریا در روستاست.

"توافق با دهستانان میانه حاصل، بدون یک لحظه چشم پوشی و شرک مبارزه علیه کولاکها و همه، اینها همراه با تکیه، منحصر و مستعکم بر دهستانان فیبر..." (لنین). این است آن خط اساسی که باشد تعیین گشته، سیاست ما در روستا باشد.

درستا میگذشته ما فراخوانی به امضا سنت از رفقاء که مهمترین پست ها را در دست دارند (رمکوف^{۸۷}، استالین، کوشیپیجف) خواندیم که طی آن گفته شده بود، به اصطلاح ابوزیسیون - یعنی بخشی از حزب خودمان و بخشی از کمیته مرکزی ما ن - میخواهند دهستان را "بجا بند". این فراخوان وعده میداد که از طریق نظام صرفه جویی از مخارج غیر مولد بین ۴۰۰ تا ۳۰۰ میلیون روبل در سال بگاهد. در واقعیت امر ما بن مبارزه برای صرفه جویی بنحوی بوروکراتیک به پیش میرود، تنها حامل تضییقات جدیدی علیه کارگران سوده و هیچگونه نتیجه، مشتب و ملموسی را دربرنداشتند.

عقلانی کردن صنعت بر مبنای یک نقشه، همه جانبی و فکر شده انجام نگرفته است و گروههای جدیدی از کارگران را به صفت بیکاران را نده است بدون اینکه تحلیلی در قیمتیها ر تمام شده بیار آورد.

ضروری است که گلبه، تضمینات متخذه در دو سال اخیر که به وحامت اوضاع کارگران منجر شده باشد وری شود و با استعکام تشخیص داده شود که در شرایط فعلی بدون بهبود سیستماتیک وضعیت طبقه کارگر "این شیروی مولدا علی" (مارکس) بر مبنای یک نقشه، همه جانبی و فکر شده، ترونق اقتصادی و نه ساختمان سوسایلیسم ممکن نیست.

بمنظور کسب توانایی برای حل این مسائل ساختمان اقتصادی که در شرایط درهم ریختگی و پیچیدگی روا بسط طبقاتی در داخل کشور و گسترش تعریض خارجی دشمن علیه اتحاد شوروی و تأثیرات انقلاب جهانی، در برای بر حزب فرا ردا رند، میباشد بست به دمکراسی درون حزب حیات و پیروی خشید و ارتباط واقعی، زنده و مستقیم حزب با طبقه کارگر را تقویت نمود. مابه یک اتفاق آنین درون حزب، مانند زمان لنهین نیاز داریم، تما می حزب از بالا تا بالا شیوه بطریقه بلشویکی، میباشد از لحاظ ایدئولوژیک و تشکیلاتی یک "قدرت جمعی" قویاً جوش خورده باشد و بطور واقعی و نه رسمی در حل و فصل تما می مسائلی که در مقابل حزب و طبقه کارگر را می کنور فرازمه کنند، شرکت نمایند.

نظام داخلی حزب، این او اخراج اعث کا هش فوق العاده، فعالیت حزب - این شیروی رهبری گشته، انقلاب برولتاواریا شده است، در میان توده های وسیع بدنه حزب، امکان بحث و حل و فصل کاملاً آگاه شده، مسائل اساسی انقلاب برولتاواری محدود شده است. این مسلطه نمیتوانست جواب منفی خود را در روابط میان طبقه کارگر و حزب و در حال است

تمامی طبقه‌ظا هرگز کرد و محسوس ننماید. نظام استقراری افتاده در درون حزب بطور وسیعی بدرودن سندیکاها منتقل گشته است. طبقه کارگر روس که تجارت به سال انقلاب تحت رهبری حزب بلشویک و لپنین را پشت سر دارد، طبقه‌ای که بنای دولت شوروی را با خون بهترین فرزندانش بهی رمی‌کرده است، که معجزاتی در فهرماضی و سازماندهی از خودنشان داده، همچو شرایط را برای گسترش نیروی خلاقه و توانایی سازماندهی اش دارد.

اما نظری می‌کند در حال حاضر استقرار می‌باشد، در پیشرفت فعالیت‌های طبقه کارگر احتلال نموده و از دخالت طبقه کارگر در ساختان سوسیالیسم جلوگیری می‌کند.

دیگر توری برولترا ریا در میان پایگاه طبقه‌ای خودش تضعیف می‌شود، در کناره بازدهم، ولادیمیرا یلیچ خطاب به حزب می‌گفت که وظیفه اصلی فعالیت اقتداری، انتخاب درست افراد است، درحالیکه خط مشی فعلی کاملاً این را هنما شیه را منفع می‌کند. در عمل، درجا‌های مختلف پیش می‌آید که مستقل ترین و ما هر ترین کارگران حزبی که در مورد مسائل اقتصادی مأمور ابتکارند در کارخانجات کنارگذاشته می‌شوند و بجا آن تقریباً همیشه عناصری که مارکسیست می‌شود که برای سوسیالیسم کارنمی‌کنند اما در مقابل روزانه ای بلافعل خود خوش خدمتی می‌کنند. نادرستی آنکارنظام داخلی حزب، بدین ترتیب بر حیاتی ترین منافع میلیونها کارگر را شیر می‌گذارد.

۴ - شرایط بین‌المللی بیش از پیش متوجه می‌گردد. خطرات جنگ هر روز افزایش می‌باشد. وظیفه محوری حزب کمونیست اتحاد شوروی و پیشگام برولترا ریا جهانی خشنی کردن جنگ، و "با حتی بتعویق آنداختن هر چه طولانی تر آن" به منظور پیشنهادی و دفاع به قیمت از سیاست ملحدی است که تنها حزب ما و حکومت شوروی قادر به پیشبرد تبا به انتهای آن هستند.

وظایف اتحادیه هر شوروی سوسیالیستی، وظایف برولترا ریای جهانی است. دفع خطرات یک جنگ جدید که بالای سر اتحاد شوروی قرار گرفته، مهمترین وظیفه برولترا ریای جهانی را تشکیل می‌دهد. اما مانعه‌توانیم با متعهدشدن در پیک بلوك با خانمین "شورای عمومی" به چنین عملی می‌درت ورزیم. هیچگونه مبارزه جدی برای دفع جنگ در کنار "بورسل" ها و "سیترین" ها ممکن نیست. نزدیک کردن کارگران سوسیال - دمکرات و غیر حزبی به ما و جذب آنان در مبارزه علیه جنگ تنها از طریق انجام آن از بالای رهبران خاشن و با مبارزه علیه آنان امکان نمی‌بینیم.

مانعه‌توانیم که کمیته مرکزی به پانزدهم گسترده آتش کمیته اجرائی انتربنیونال کمونیست در بررسی تفصیلی و تابع اخیر چنین با تکبه برآشنا دومدارک کمک نماید. (می‌باشد رفاقتی که از نقطه نظرات مادفاع کرده‌اند بدین کار فراخوانده شوند).

از طرف دیگر، می‌باشد کمیته اجرائی انتربنیونال کمونیست مسائل چنین، انگلستان و روسیه را در تمامی گسترده‌گی شان در دستور روز قرار دهد و با طرح آنان در مطبوعات حزب ما و مطبوعات کمونیستی بین‌المللی امکان بررسی در جزئیات مسائل را - البته با درنظر

گرفتن اختباط‌های لازم - فراهم سازد .
تقویت بین‌المللی شوروی مستلزم تقویت خط پرولتری انقلابی در درون اتحاد جماهیرشوروی است . ما در این قوانین مستمزدها، شرایط مسکونی کارگران و بخاطر داشتمداوم بیکاری تضعیف شده‌ایم . ما بدلیل اختلاف سیاست غلط در قبال دهانان نقیص تضعیف شده‌ایم . خطاهای ما در سیاست اقتصادی نزدیک همین ترتیب به تضعیف ما منجر می‌شوند . ما بخاطر شکست کارگران انگلیسی و شکست انقلاب چین تضعیف گشته‌ایم . ما بدلیل بک نظام بدر درون حزبی تضعیف شده‌ایم .

تحامی خط مشی سیاسی ما از رهبری راست روانه‌ای که بر آن اعمال می‌شود رنج می‌برد . اگر ضربهٔ جدیدتا رک دیده شده علیه چپ بر علیه اپوزیسیون اجرا شود ، دست عناصر راست ، عناصر غیرپرولتری و ضدپرولتری باز خواهد شد . ضربات وا ردیچپ ، نتایج منطقی برای پیروزی اوستربالوف^{۸۹} ها خواهند داشت .

مدت طولانی است که اوستربالوف بنام تئوری "تب جدید" تفاهمی چنین ضربه‌ای بر اپوزیسیون را نموده است . اوستربالوف که توزیع‌ترین ، منطقی ترین و ماحصل امول ترین دشمن بلشویک است . اداره‌جاتی‌های از خود راضی ببوروکراتها ، خرد بوروزواهایی که به مقامات فرماندهی رسیده‌اند و توده‌ها از بلانگا ، میکنند ، زمین زیرهای خود را بین از پیش محکم و مطمئن می‌باشند . اینها تما معاً عنانه جدید هستند . پشت سر اینها اوستربالوف‌های متخصص و کمی دورتر تر از من ها و کولاکها ، که عنوان دهقانان دارای بنتیه ، اقتصادی قوی را برخود دارند ، ایجاده‌اند . خطر واقعی از این جانبه است .

انحرافات در مسائل داخلی آنقدرها قابل روایت نیستند . زیرا تعولات درونی با سرعت بسیار کمتری نسبت به انتخاب عمومی انگلستان ، انقلاب چین پیش می‌روند ، اما گرایشات اساسی این سیاست در داخل و خارج بکی است .

لينین ، حکومت شوروی را حکومتی کارگری با یک شکل از عقب افتادگی بوروکرا تیک در کشوری که اکثریت اهالی آنرا دهقانان تشکیل می‌دهند ، تعریف می‌کرد . این نکته در سال ۱۹۲۱ گفته شد . این تعریف لینین امروزه بیش از هر زمان دیگر متعجب است . طی سالهای نیز ، بوروزوازی جدید شهرها و روستاهای به یک شیوه واقعی تبدیل شده است . در چنین شرایطی واردگردن ضربه به اپوزیسیون ، از میان فریادهای دروغین وحدت طلبانه ("سبین هر انساب همیشه با فریادهای بلند خواهان وحدت اند" - انگلیس) جز تلاش درجهت بی اعتماد ساختن و نابودی جناح چپ پرولتری ولثینیت حزب ما معنای دیگری ندارد . این نابودی به معنی تقویت سریع و اجتناب ناپذیر جناح راست حزب کمونیست و همینطورتا بعیت منافع پرولتریا از منافع دیگر طبقات خواهد بود .

۵ - ما همیشه و بیویژه در شرایط حاضر وحدت حزب نیازمندیم . ما در مکتب لینین آموخته‌ایم که بلشویک می‌باشد تما می تلاش را جهت وحدت برپا نماییم خط مشی سیاسی انقلابی پرولتری بکار بینند . درست ترین شرایط تاریخی ، در دوران فعالیت غیرقاونوی و بعد از آن در ۱۹۱۷ زمانیکه در روح جنگ برای قدرت سارزه می‌کردیم ، در ۱۹۱۸ زمانیکه در

دشوارترین و بیشترین شرایط مسئلهٔ علیح برست - لیتوفسک را بورسی می‌گردیدم و در سال‌های متعاقب آن در زمان لشمن، حزب بطور علنی برخوبی نقاٹ کشمکش و مراغه‌بخت گرده‌ورا درست بسوی وحدت‌واعی و نه‌تصنمی را مینمایفت . این امر ما را در شرابطی بمراقب مشکل‌خواهی و غایع گنوی، خاتمه داده است ،

خطرا على اینجا است که اختلافات واقعی از حزب وطبقه کا رکرپنها میشوند. هر تلاش جهت طرح مسائل موردا خلاف در مقابل حزب بعنوان اقدامی علیه وحدت حزب اعلام میشود. خط غلط بطور مکانیکی در بالا محاکم شده و بدین ترتیب است که وحدتی تنهای در سطح رسمی اینجا داشته باشد و اعلام میگردد که "همه چیز را برای این است". در واقعیت امر را این وضعیت موافع حزب را در درون طبقه کا رکرموافع طبقه را در مبارزه علیه دشمنان طبقاتی اش تضعیف میگند. چنین شرایطی با اینجا دموافع عظیم برسر را، وشدسیا سی حزب ما و انتخاذ پیک استگیری صحیح لشی، بطورا جتنا بنا به ذیری ما را در برآورده ولین چو خشن ناگهانی، در مقابل اولین ضربه جدی و با در صورت پیک زیر و رو شدن داخلی، بسوی خطراتی فوق العاده

ما بطور روشنی این خطرات را می‌بینیم و وظیفه خود میدانیم که به کمیته مرکزی در مورد ضرورت تکردهم آوردن مفهوم حزب بپردازیم. سیاست‌لنگری در مورد مسائل بین‌المللی و داخلي نشانه اراده‌یم.

چگونه میتوان برای انجام وظیفه خود در جهت وحدت حزبی خط مشی طبقاتی را ترسیم کرد، چگونه میتوان اختلافات را از بین برداشتن؟

اما نکونه که همیشه در دوران لذین انجام می‌پذیرفتند است.

ما پیشنهاد میکنیم که کمیته مرکزی موارد ذیل را تصویب کند:

۶ - حداقل سه ماه قبل از پایان زده میان گنگره، حزب، پلیتوم کمیته مرکزی برای بررسی از پیش‌تمامی مسائل گنگره، پایان زده فراخوانده شود.

۶- این پلنوم میباشد تعاونی سعی خود را بکار بندیدتا تضمیمات به اتفاق آراء اخذه گردند، این امر به تضیین حد اکثر وحدت حزب کمک کرده و میباشد زات درونی حزب را بایان خواهد داد.

۲۰ - پلنوم مهبا پست هیئت نمایندگی حزب کمونیست شوروی در انترنا سیونال کمونیست را مأمور کندا آقدا ماندی جهت بازگرداندن رفقاء اخراجی که خواهان بازگشت به انترنا سیونال کمونیست باشد و همچنین به پلاتفرم آن معتقد‌نداشتمام دهد. (سلما این امر به وجوده کاتر^{۲۰} و کورش^{۲۱} مربوط نمیگردد.)

۱۰- معاذالگ اگر درون این پنجم و پنجم کمیته مرکزی اختلافات اساسی بوجود بیایند، ممکن است در زمان مناسب فرموله واعلام گردند. هر رفیقی ممکن است امکان دفاع از نقطه نظر خود در مقابل حزب، در مطبوعاتی و در جلسات را همانگونه که در زمان لنهین وجود داشته باشد.

۵- پلیمک میباشد در جهان جویی اکیدا رفیقاته بدون میالف و بیرون عدیکات انعا مشود.

- ۶ - طرح تزهای کمیته مرکزی، تشكیل‌های پایه‌ای، اعضا، حزب و باگروهها از آن میباشد حدوداً دو پرسیده قبل از تشکیل کنگره، پانزدهم حزب در پراودا (پرسیده براودا) و پیزد رکلیه، مطبوعات حزب در شهرستانها منتشر شوند.
- ۷ - شعار اصلی برای تدارک پانزدهمین کنگره، حزب میباشد وحدت، وحدت واقعی و لثینی حزب کمونیست اتحاد شوروی باشد.

* * *

بعد از تحریر - بیانیه ما بخاطر جمیع آوری اتفاق، به تأثیر افتاده است، ما مجبوریم در زمانی آنرا اعلان نمائیم که از هالا کارزاری بر علیه رفیق زینوویف به بناهند سخنرانی وی در روز ۹ ماهه در یک جلسه، با مطلاع غیر حزبی‌ها برا آنداخته میشود. از میان ما کسانی که بحث رفیق زینوویف را شنیده‌اند و پرسیده‌اند، مکان مطالعه و بررسی شدنویسی شده، بحث اورا داشته‌اند، حاضرند بدون تردید، اتفاق خود را زیرا می‌دانند. اول این لحنی معتدل و غیرقا بل حمله حالت روحی مخالف وسیعی از حزب را، که بر علیه اشغال پراودا نتوسط کرایش ما را تینف هشدار میدهند، بیان نمود. بحث رفیق زینوویف به بناهای شدیدهای آغاز دوباره عملات مستمر علیه‌است.

همانطور که در قطعنامه مانشان داده شده است این عملات علمی اپوزیسیون درست در زمان فرارسیدن اخبار شکست چین، آغاز گشته است.

طبق پیش‌بینی ما، هدف از کارزاری که بر علیه رفیق زینوویف برا آفتد، افتاده است دور نگهداری اواز کمیته مرکزی قبل از کنگره و خارج از کنگره، بمنظور خلاص شدن از میکی از منقدین خط غلط میباشد. این امر اجازه خواهد داد که در طول دوران تدارک کنگره، پانزدهم حزب و شعبه کنگره جهانی، یکی از منقدین مزاحم خط غلط از سر باز شود. همین مسئله میتواند فردا برای یکی دیگر از اعضا، کمیته مرکزی تکرار شود. و این به مرور جزء ضربه به حزب نتیجه دیگری ندارد.

تصیم مستخدم تحت فنا و دفترسازی مبنی بر منوعیت شرکت رفیق زینوویف در پلنوم انتerna سیونال کمونیست امری است که در تاریخ انتerna سیونال کمونیست بی‌سابقه میباشد. یکی از بینهایان گذاران انتerna سیونال کمونیست، که به بیشنهاد لثین بعنوان اولین رئیس آن انتخاب شد، کنار گذاشته میشود، دور کردن رفیق زینوویف از فعالیت هایش در انتerna سیونال کمونیست، در حالی که هنوز عموماً جراحتیه آن است و در زمانی که مهمترین مسائل چنین کارگری بین المللی مورد بررسی است، جزیا کمودشامت سیاسی آنانکه اقدامات اداری را بر مبارزه ایدئولوژیک ترجیح میدهند، توضیح داده نمیشود.

این حرکت، خارج از معنای سیاسی اش، در بین حال تجاوز بزرگی است به حقوق رسی رفیق زینوویف که عفو اجراء شده است و در کنگره پنجم جهانی به اتفاق آراء انتخاب شد. راه کنارگذاشتن لثینیستها، راهی برای وحدت انتerna سیونال نیست. به احتمال قوی